

## خوارزم تجلی‌گاه مکتب اعتزال در روزگار خوارزمشاهیان<sup>۱</sup>

دکتر ابراهیم باوفا

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت

Bavafa@iaurasht.ac.ir

### چکیده

مکتب کلامی اعتزال یکی از شکوفاترین و پررونق‌ترین دوره‌های خود را در سرزمین خوارزم در روزگار خوارزمشاهیان سپری نموده است. این منطقه، نظر به موقعیت جغرافیایی و اقتصادی و تعاملات تجاری با اقوام و ممالک شرقی خاصه با اروپای شمالی که صحنه نفوذ میراث فکری یونان بود، ملت‌ها، ادیان و مذاهب گوناگون را در خود جای داده بود. این عوامل با توجه به زمینه‌های فکری و فرهنگی، امنیت اجتماعی و ثبات سیاسی خوارزم در نفوذ اعتزال در آن و جذب و گرایش خوارزمیان به آن و نیز بالندگی و شکوفایی فرهنگ و معارف عقلی در آن سرزمین در روزگار خوارزمشاهیان بسیار تاثیر داشته است. در این مقال کوشش شده زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، فکری و مذهبی خوارزم بازبینی گردد و سهم خوارزمیان در ایجاد زمینه‌های لازم برای رشد فرهنگ و معارف عقلی در این سامان شناسایی شود.

**کلیدواژه‌ها:** خوارزم، ابوالحسین محمدبن علی بصری، ابومضر محمودبن جریرضبتی، معتزله، زمخشری، ناصرالدین مطرزی.

### مقدمه

خوارزم با شکل‌گیری حکومت دودمان خوارزمشاهی در اواخر قرن پنجم ق/ یازدهم م. تحولات سیاسی، فکری و مذهبی را آغاز کرد. در این دوره، بازپسین مکتب کلامی اعتزال به دست یکی از دانش‌آموختگان مدرسه عقلی ابوالحسین بصری در خوارزم پایه‌گذاری گردید و در سایه حسن سیاست و اداره حکومت از سوی سلاطین خوارزمشاهی به رشد و بالندگی رسید. در فضای ناشی از امنیت اجتماعی و ثبات سیاسی و زمینه‌های دینی و مذهبی این سامان، ضمن

<sup>۱</sup>. تاریخ وصول: ۱۳۸۶/۷/۱۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۱۰/۱۵.

تثبیت فرهنگ ایرانی - اسلامی، بستر مناسبی برای گردآمدن علما و دانشمندان اعتزال و تربیت افراد فرهیخته به ویژه در حوزه کلام و فلسفه فراهم گردید. به تناسب گسترش آموزه‌های کلامی اعتزال، دوره خوارزمشاهیان برای فلسفه و فعالیت فیلسوفان نیز دوره بالندگی بوده است.

در دوره سلاطین خوارزمشاهی، مکتب کلامی اعتزال، حکمت و معارف عقلی، به عنوان یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت علوم، یکی از دوره‌های شکوفایی خود را سپری کرد و مجموعه عوامل تأثیرگذار در رشد آنها، و نقش دانشمندان خوارزمی را در این فرآیند، به شرح زیر می‌توان بررسی کرد:

### مکتب عقلی ابوالحسین محمد بصری

مکتب کلامی اعتزال که به دست ابومضرب ضبّی در خوارزم در روزگار خوارزمشاهیان پایه‌گذاری گردید و تا قرن ۸/ق ۱۴م. تداوم و استمرار یافت، وابسته به مدرسه عقلی بصره بود که در قرن پنجم ق/یازدهم م. در بغداد فعالیت می‌کرد. در نیمه دوم سده پنجم ق/یازدهم م. دو مدرسه عقلی اعتزال یعنی طریقه بهشمیه و ابوالحسینیه در مقایسه با سایر فرق معتزله از رونق و گسترش بیشتری برخوردار بود. بهشمیه مأخوذ از ابوهاشم عبدالسلام جبائی (د ۳۲۱ق) است که نفوذ آن در این قرن نتیجه حمایت و اهتمام صاحب بن عباد (د. ۳۸۵ق) وزیر آل بویه و قاضی عبدالجبار همدانی (د. ۴۱۴ یا ۴۱۵ یا ۴۱۶ق) بوده است؛<sup>۴</sup> طریقه ابوالحسینیه مأخوذ از ابوالحسین محمدبن علی طیب بصری، شاگرد قاضی عبدالجبار همدانی است که پس از تعلم نزد او، مدرسه عقلی جدیدی را در بغداد دائر کرد<sup>۵</sup> و در بسیاری از موضوعات کلامی از پیشینیان اعتزال و از استادش عبدالجبار جدا شد و ضمن نقد و رد ادله آنان سبکی نو و نظراتی جدید در کلام اعتزال خلق کرد که به وسیله شاگردانش از جمله ابومضرب ضبّی در شرق عالم

۱. ابن اثیر، ۱۴۲/۸.

۲. خطیب بغدادی، ۱۱۳/۱۱؛ اسنوی، ۱۷۳/۱-۱۷۴؛ ابن شهبه، ۱۸۳/۱-۱۸۴؛ نووی، ۴۵۰.

۳. ابن مرتضی، ۱۱۲.

۴. عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، ۱۶۹؛ همو، الملل و النحل، ۱۲۹؛ ابن مرتضی، همانجا.

۵. خطیب بغدادی، ۱۰۰/۳؛ ذهبی، وفیات الاعیان المنتقی من تاریخ الاسلام، ۲۱۹-۲۲۰؛ همو، الإعلام لوفیات الأعلام، ۱۸۱؛ ابن مرتضی، ۱۱۸-۱۱۹؛ صفدی، ۱۲۵/۴؛ الحرّضی یمانی، ۳۵۶؛ ابن عماد، ۲۵۹/۳.

اسلام یعنی خوارزم توسعه و تکامل پیدا نمود و با متمایز شدن از فرق اخشیدیه<sup>۱</sup> و بهشمیه که در بغداد و ری فعالیت داشتند، به عنوان طریقه مستقل در اعتزال شناخته شد و در نیمه دوم قرن پنجم ق. همه فرقه‌های معتزله را پشت سر گذاشت.<sup>۲</sup>

به گفته مورخان، صاحبان تراجم و طبقات، ابوالحسین بصری بیش از سایر فرق اعتزال در کلام و فلسفه (علوم الاوائل) و علوم عقلی (معقولات) تعمق و تبحر داشته و در بارور کردن عقاید خود از آن استفاده نموده و آراء فلسفی خود را تحت پوشش کلام اعتزال در میان اصحاب و شاگردانش نشر می‌داد.<sup>۳</sup> وی در اصول عقاید کتابی بر مبنای کلام اعتزال تصنیف کرد که در بین متکلمان و دانشمندان از نفوذ و اعتبار بالایی برخوردار گردید.<sup>۴</sup> ابن مرتضی می‌نویسد که دانشمندان معتزلی مذهب به ویژه ائمه زیدیه نظیر امام یحیی بن حمزه و اکثر امامیه در مباحث کلامی از آراء و افکار او پیروی کردند.<sup>۵</sup> البته تأثر امامیه در کلام منحصر به طریقه ابوالحسین بصری نبوده، بلکه پیش از این نیز دانشمندانی چون ابن بابویه<sup>۶</sup>، حسن بن موسی نوبختی<sup>۷</sup>، شیخ

- 
۱. منسوب به احمد بن علی بن اخشید؛ از مدافعان برجسته این طریقه، علی بن عیسی رمانی صاحب اثری در رد عقاید جبائی بوده است. (ابن مرتضی، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۱۰).
  ۲. شهرستانی، *نهایة الاقدام*، ۱۳۹-۱۴۱؛ ۱۵۱، ۳۴۱؛ محمود نجرانی، ۵۹-۶۱؛ فخر رازی، *جامع العلوم*، ۴۵۵؛ همو، *چهارده رساله*، ۱۱۲؛ حسنی رازی، ۵۵؛ ابن مرتضی ۱۱۸-۱۱۹؛ فاضل یزدی در بیان آراء و افکار حسن بصری در خصوص نفی صفات، این شخص را با ابوالحسین محمد بصری که در قرن ۵ق/۱۱م. می‌زیسته اشتباه گرفته است. منشأ این اشتباه، بی دقتی او در نوشتار شهرستانی است که در بحث صفات می‌نویسد ابوالحسین بصری تمام صفات را به یک صفت معطوف می‌ساخت و آن «عالمیت» است و این نظریه بصری عین مذهب فلاسفه است. از این روی فاضل یزدی تصور کرده که منظور حسن بصری است، (فاضل یزدی، ۳۳)، در حالی که مقصود شهرستانی، ابوالحسین بصری است که در آراء کلامی بیشتر مشرب فلسفی داشته است و همین نویسنده، در اثر دیگر خود دیدگاه کلامی و فلسفی او را ذکر کرده است (شهرستانی، *الملل و النحل*، ۳۷/۱، ۶۰)؛ ضمناً حسن بصری مکنی به ابوسعید بوده نه ابوالحسین و این کنیه محمد بصری می‌باشد (ابن خلکان، ۲۲۶/۱).
  ۳. ذهبی، *تاریخ الاسلام* (۴۲۱-۴۳۰ و ۴۳۱-۴۴۰)، ۴۳۹؛ همو، *سیر اعلام النبلاء*، ۵۸۷/۱۷-۵۸۸؛ همو، *میزان الاعتدال*، ۱۰۶/۳؛ قفطی، ۲۹۳-۲۹۴.
  ۴. ابن خلکان، ۳۶۰/۲؛ صفدی، ۱۲۵/۴.
  ۵. ابن مرتضی، ۱۱۳.
  ۶. متر، ۷۹/۱.
  ۷. ابن مرتضی، *البحر الزخار*، ۴۳/۱؛ همو، *طبقات المعتزله*، ۱۰۴.

مفید<sup>۱</sup> و شریف مرتضی<sup>۲</sup> تحت تأثیر کلام اعتزالی، اصول علم کلام و اسالیب آن را از مشایخ معتزله فرا گرفته بودند<sup>۳</sup>؛ اما میزان تأثر علمای متأخر امامیه نظیر خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی و فاضل مقداد از اصول کلامی بصری بیش از پیشینیان و دانشمندان امامیه متقدم بوده است.<sup>۴</sup>

بنابراین، این جنبه از حیات فکری ابوالحسین بصری یعنی گرایش و علاقه‌مندی به فلسفه و قرابت اصول کلامی او با امامیه به تناسب گسترش طریقه مذهبی وی در خوارزم که به دست ابومضرب ضبی در آن خطه در عصر خوارزمشاهیان پایه‌گذاری گردید، تداوم و استمرار یافت، ولی به سبب همین ویژگی‌ها، طرفداران متعصب بهشمیه مانند ابوسعید حاکم جشمی (مق ۴۹۱ ق.) به مخالفت و موضع‌گیری بر ضد او برخاستند و وی را به کفر و الحاد متهم ساختند.<sup>۵</sup>

پس از درگذشت ابوالحسین محمد بصری<sup>۶</sup> و فروپاشی دولت بویه‌یان و روی کار آمدن دودمان‌های ترک تبار، مانند غزنویان و سلجوقیان به ویژه در دوره وزارت خواجه نظام‌الملک طوسی، مکتب کلامی اعتزال تحت فشار شدید محافل اصحاب حدیث، خاصه حنابله قرار گرفت و معتزله وادار به انکار علنی آن شدند و تدریس کلام اعتزال سخت محدود شد.<sup>۷</sup> احیاء مذهب سنت در این دوره با جنبش مدرسه‌سازی، بالا گرفتن شوکت کلام اشعری و

۱. مکدموت، ۶۹، ۸۵، ۹۲، ۹۴، ۹۷، ۱۰۶؛

Madelung.w, "al-mufid", *EP*<sup>2</sup>, vol., VII, pp.312-13.

۲. ابن مرتضی، *طبقات المعتزله*، ۱۱۷.

۳. به همین جهت برخی پژوهشگران گفته‌اند: شیعه از لحاظ اعتقادی و مذهب ورثه معتزله‌اند (متز، ۷۸/۱؛ زهدی جارالله، ۲۰۶؛

GIMARET.D, "MU'TAZILA", *EP*<sup>2</sup>, vol. VII, p.786.

۴. خواجه نصیرالدین طوسی، ۴۵۱؛ علامه حلی، *انوار الملکوت*، ۱۳۸، ۱۴۰، ۴۹-۱۴۱، ۱۹۱-۱۹۲، ۲۰۲-۲۰۳؛ همو، *کشف المراد*، ۸۲-۸۳، ۳۲۲، ۳۹۶، ۴۱۶؛ همو، *باب حادی عشر*، شرح فاضل ۵۲-۵۵؛ ابن ابی الحدید، ۵۴/۵، ۱۳۷-۱۳۸، ۳۰۷/۲-۳۰۸، ۳۳۷/۱۸-۳۳۸.

۵. ابن مرتضی، ۱۱۹.

۶. تاریخ در گذشت او را سال‌های ۴۳۶، ۴۴۶ و ۴۶۳ ق نوشته‌اند. اغلب نویسندگان او را در فروع حنفی مذهب دانسته‌اند، ولی حاجی خلیفه می‌نویسد که ابوالحسین بصری شافعی مذهب بوده است (خطیب بغدادی، ۱۰/۳؛ قفطی، ۲۹۴؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ۵۸۸/۷؛ صفدی، ۱۲۵/۴؛ ابن خلکان، ۳۶۰/۲؛ ابن ابی الوفاء، ۹۳/۲-۹۴؛ حاجی خلیفه، ۱۷۳۲/۲).

۷. ابن اثیر، ۴۴/۸؛ صفدی، ۸۴/۲-۸۵؛

Makdisi.G, "THE SUNNI REVIVAL" *Islamic civilization*, (oxford, 1973), III, PP.155-6.

فقه و مسلک حنبلی تجلی می‌یابد<sup>۱</sup>. در این شرایط، نمایندگان برجسته اعتزال به واسطه ناامنی و برای رهایی از تعصبات مذهبی و سخت‌گیری دستگاه خلافت و علمای اهل سنت، به مناطقی دوردست و محیطی نسبتاً امن پناه بردند؛ از آن جمله، ابومضرب ضبی به خوارزم که پناهگاه بسیاری از علماء و دانشمندان بود، رفت و مبدأ تحول مذهبی آن خطه در روزگار خوارزمشاهیان گردید و خوارزمیان را پیرو اصول کلامی اعتزال نمود<sup>۲</sup>.

### اوضاع علمی و دینی و زمینه‌های کلامی و فلسفی در خوارزم

برای تبیین چگونگی ظهور و حضور ابومضرب ضبی در منطقه خوارزم و میزان تأثیرگذاری او بر خوارزمیان ضروری است اوضاع علمی، فرهنگی و اعتقادات دینی و مذهبی آنجا بررسی گردد تا بر مبنای آن مجموعه عوامل تأثیرگذار در آشنایی و پذیرش خوارزمیان به کلام اعتزال خاصه دوره خوارزمشاهیان که در پیشرفت مکتب کلامی ابوالحسین بصری تأثیر فراوان داشته است شناسایی شود. به طور کلی گرایش‌های مذهبی و تماس‌های فرهنگی اهالی خوارزم را نسبت به جریان‌های کلامی به اعتبار تحولات سیاسی حاکم بر آن می‌توان به پنج دوره تقسیم کرد:

**دوره افریقی<sup>۳</sup> (حک: ۳۰۵-۳۸۵ق):** در این دوره بذرهای زبان عربی و فرهنگ اسلامی در خوارزم پاشیده شد و با گذشت زمانی اندک به ثمر رسید. خوارزمیان پس از پذیرش اسلام برای شناخت و فهم کامل آموزه‌های آن به خراسان و بغداد سفر کردند و بعد از فراگیری زبان عربی، فقه، حدیث و تفسیر به زادگاه خود بازگشتند و سرگرم اشاعه فرهنگ اسلامی در میان علاقه‌مندان و طالبان به آئین جدید گردیدند<sup>۴</sup>. خطیب بغدادی، در میان انبوه مهاجران خوارزمی به بغداد، به نقل از محمدبن ابی‌طاهر الدقاق درباره ابوعمرحارث بن سریق خوارزمی

۱. مادلونگ، ۶۴-۶۵؛ باسورث، ۱۷۵/۱.

۲. ابن اثیر، ۷۱/۸، ۴۴۱؛ یاقوت، ۱۲۳/۱۹-۱۲۴؛ ابن ابی‌الوفاء، ۳۱۵/۱، ۳۳۳-۳۳۴؛ قفطی، *انبیاء الرواة*، ۲/۲۱۳-۲۱۴؛ صفدی، ۸۴/۲، ۸۵.

۳. از دودمان‌های ایرانی نژاد خوارزم بودند. بیرونی اسامی بیست و دو تن از آنان را بر می‌شمرد که در کات واقع در کرانه شرقی آمودریا فرمانروایی داشتند (بیهقی، ۷۵۰؛ بیرونی، ۴۱-۴۲).

۴. ابوحنیفه خوارزمی (د. بعد از ۲۰۰ق) (ابن ابی‌الوفاء، ۲/۲۵۰؛ ابن قطلوبغا، ۸۶)؛ ابوالفضل داودبن رشید خوارزمی (د. ۲۳۹ق) (خطیب بغدادی، ۳۶۷/۸، ۴۳۶-۴۳۷؛ ابن عساکر، ۲/۵)؛ ابوعمر حارث بن سریق خوارزمی (د. ۲۳۶ق) (خطیب بغدادی، ۲۰۹/۸-۲۱۱؛ ذهبی، ۱۳۳/۱۱-۱۳۵)؛ ابوالحسین محمدبن حسن خوارزمی (د. ۲۹۴ق) (خطیب بغدادی، ۱۸۶/۲)؛ ابویوسف یعقوب خوارزمی (سمعانی، ۲/۴۰۸).

(د. ۲۳۶ق) می‌گوید: وی در موضوع مخلوق یا غیر مخلوق بودن قرآن قائل به توقف بوده است. هنگامی که از او سوال شد که درباره قرآن چه نظر داری؟ گفت: «کلام الله لأقول غیر هذا». بغدادی به دنبال گفتار او می‌نویسد: «کان واقفياً شدید الوقوف»<sup>۱</sup>. در این ایام، مذهب شافعی نسبت به فقه حنفی رشد و گسترش بیشتری داشته است. اکثر عالمان و فقیهان آن صاحب فتوا، خطیب و امام جامع خوارزم بودند<sup>۲</sup>. مذهب حنفی نیز توسط برخی خوارزمیان که در بغداد از امام ابوحنیفه دانش آموخته بودند، در خوارزم نفوذ یافت و به تدریج در قرون دوم و سوم ق پایگاه عام به دست آورد<sup>۳</sup>. سمعانی به نقل از *المضافات* نوشته ابوکامل بصیری، می‌نویسد ابوعبدالله محمد بن احمد خوارزمی در ایامی که در بغداد می‌زیست، وقتی که با پیشنهاد ابوعبدالله حسین بصیری معتزلی (د. ۳۶۹ق) ملقب به «جَعَل» مبنی بر مطالعه کتاب کلامی او به نام *المُرشد* مواجه شد، گفت: «انی رَجُلٌ حنفی المذهب، سنی الاعتقاد فلا امیل الی بدعتک و لأصغی الی دعوتک»<sup>۴</sup>. از دیگر شخصیت‌های حنفی مذهب محمد بن موسی خوارزمی است که به گفته ابن ابی‌الوفاء، وقتی از او سوال شد که مذهب شما در اصول عقاید چیست؟ پاسخ داد: «دیننا دین العجائز و لسنا من الکلام فی شیء»<sup>۵</sup>. به تناسب این امر، به برخی شخصیت‌های خوارزمی بر می‌خوریم که غالباً در خطه بغداد فعالیت می‌کردند و اکثر آنها به عنوان حافظ و محدث شهرت داشتند و ظاهراً در عقاید هم‌چون فقه هواخواه حدیث بودند و با کاربرد رای در اصول مخالف بودند<sup>۶</sup>.

۱. خطیب بغدادی، ۲۱۱/۸.

۲. از قبیل ابوسعید محمد خوارزمی (د. ۳۱۳ق) مصنف کتاب *الارشاد* (سبکی، ۱۸۵/۳-۱۸۶)؛ ابوعبدالله محمد خوارزمی (د. ۳۱۸ق) (همو، ۱۶۴/۳-۱۶۵)؛ ابواحمد سعید خوارزمی (د. بعد از ۳۴۲ق)، صاحب آثاری چون *الحوی، العمد و الرد علی المخالفین* (شیرازی، ۱۳۱؛ یاقوت، ۳۲۶/۱؛ ذهبی، *المشتمبه*، ۴۳/۱)؛ ابوعبدالله محمد خوارزمی (د. ۴۱۲ق) (سبکی، ۱۱۸/۴).

۳. یاقوت، ۴۱۵/۲؛ ابن قطلوبغا، ۸۶؛ سمعانی، ۴۰۸/۲.

۴. سمعانی، ۳۲۶/۱.

۵. ابن ابی‌الوفاء، ۱۳۵/۲، ۱۴۱؛ صفدی، ۹۳/۵.

۶. مانند ابوالحسین محمد بن جعفر خوارزمی (د. ۳۱۴ق) (خطیب بغدادی، ۱۳۴/۲)؛ ابوالحسین محمد بن حسن خوارزمی (د. ۲۹۴ق) (همو، ۱۸۶/۲)؛ احمد بن محمد خوارزمی (همو، ۱۰۸/۵)؛ ابوعلی طالب خوارزمی (د. ۳۴۷ق) (همو، ۳۶۵/۹)؛ عبدالعزیز خوارزمی (د. ۳۴۷ق) (همو، ۴۴۵/۱۰)؛ ابوعلی مجاهد خوارزمی (د. ۲۴۴ق) (همو، ۲۶۵/۱۳-۲۶۶)؛ ابوجعفر محمد خوارزمی (د. ۳۲۷ق) (یوسف السهمی، ۳۵۵؛ خطیب بغدادی، ۲۶۰/۲)؛ محمد بن علی خوارزمی (ذهبی، *تذکره الحفاظ*، ۶۵۶/۲)؛ ابوبکر احمد بن محمد برقانی خوارزمی (همو، ۱۰۱۷۵/۳) وقتی ←

**دوره مأمونی (حک: ۳۸۵-۴۰۸ق):** با آن که دوران بیست و سه سال حاکمیت دودمان مأمونی بر خوارزم کوتاه بود<sup>۱</sup>، اما از موفقیت و شکوفایی فرهنگی و معارف عقلی نسبت به دوره افریغی دور نشد. مأمونیان خاصه ابوالحسن علی بن مأمون (حک: ۳۸۷-۳۹۹ق) و ابوالعباس مأمون (حک: ۳۹۹-۴۰۷ق) امرائی فاضل، علم دوست و دوستدار علماء بودند و در روند کلام و فلسفه، تأثیر قابل توجهی بر جای نهادند<sup>۲</sup>. خوارزم در سایه فضل و دانش دوستی آنان و وزیرانی نظیر ابوالحسن احمد خوارزمی (د. بعد از ۴۰۴ ق) محیطی نسبتاً امن برای فعالیت فلسفی و کلامی فیلسوفان و دانشمندانی چون ابوعبدالله ناتلی، استاد ابوعلی سینا در ایساغوجی و منطق، عبدالاول بن عبدالصمد، ابوسهل مسیحی، ابوالخیر خَمّار و ابوعلی سینا بوده است<sup>۳</sup>. ابوسهل مسیحی و ابوالخیر چند اثر علمی به نام مأمونیان تألیف نمودند<sup>۴</sup>. ابوعلی سینا در زمینه فلسفه کتاب *الحاصل و المحصول* را در بیست جلد و کتاب *البر و الاثم* را در اخلاق برای ابوبکر خوارزمی تصنیف کرد<sup>۵</sup>.

در این دوره، خوارزم از جهت کثرت علما و فقها خاصه در ادبیات عربی نامدار است<sup>۶</sup>. دو تن از ادیبان برجسته آن، یعنی محمدبن عباس خوارزمی (د. ۳۹۳ق) و ابوسعید احمدبن شیبیب خوارزمی بارجال معتزلی مذهب بویهیان مانند صاحب بن عباد مناسبات علمی و ادبی داشتند و

→ ابوبکر احمد برقانی خوارزمی وفات یافت، ابوالقاسم الازهری گفت: «البرقانی امام، وادامات ذهب هذا الشأن - یعنی الحدیث» (ذهبی، *تاریخ الاسلام* (۴۲۱-۴۴۰ ق) ۱۴۵-۱۴۶؛ دمشقی صالحی، ۹۵۹/۳؛ الحرّضی یمانی، ۳۵۱، ۱. بیرونی، ۴۲، ۴۶، ۱۱۷؛ گردیزی، ۳۷۴؛ جرفاذقانی، ۱۳۰-۱۳۱.

۲. سمرقندی، ۱۲۱.

۳. قفطی، *تاریخ الحكماء*، ۴۱۶-۴۱۷؛ ابن ابی اصیبه، ۴۲۹، ۴۳۶، ۴۳۸-۴۳۹؛ یاقوت، ۳۱/۵-۱۷-۳۲/۱۸۶.

۴. قفطی، ۴۱۳-۴۱۴؛ ابن ابی اصیبه، ۴۲۹، ۴۳۶.

۵. قفطی، ۴۱۶-۴۱۷؛ ابن ابی اصیبه، ۴۳۹.

۶. نظیر ابوعبدالله محمد بن ابراهیم خوارزمی (ثعالبی، ۲۴۴/۴؛ قفطی، *المحمدون من الشعراء*، ۹۶)؛ ابوالقاسم احمد بن ضرغام خوارزمی (ثعالبی، ۲۵۴/۴-۲۵۵)؛ ابوعبدالله محمد بن حامد خوارزمی (ثعالبی، ۱۲۲/۳-۱۲۳)؛ ابومحمد عبدالله خوارزمی (همو، ۲۴۵/۴-۲۴۶)؛ ابوبشر مأمون بن علی بن ابراهیم (باخرزی، ۲۷۱/۲)؛ ابوالفضل احمد بن محمد الصخری (قفطی، ۵۳؛ یاقوت، ۲۶/۵-۲۷؛ ثعالبی، ۲۴۳/۴)؛ جمال الدین محمد خوارزمی (ثعالبی، ۱۹۴/۴؛ صفدی، ۱۹۵/۳)؛ افزون بر ایشان، ابومنصور ثعالبی نویسنده *یتیمه الدهر*، مدتی در خوارزم در کنف حمایت مأمونیان بود و کتاب‌هایی را به نام آنان تألیف کرد که از آن میان، *آداب الملوک الخوارزمشاهی* را که راهنمای حکومت است، تألیف و به ابوالعباس مأمون خوارزمشاه تقدیم کرد (بیهقی، ۷۵۶؛ حاجی خلیفه، ۱۴۵۳/۲؛ Bosworth, "kh<sup>w</sup>ārazm-shāhs," *EP<sup>2</sup>*, vol.IV, P.1066.

از ملازمان بارگاه ایشان بودند<sup>۱</sup>. همچنین برخی قرائن حاکی از آشنایی و ارتباط اهالی خوارزم با قاضی عبدالجبار همدانی است که به گفته ابن مرتضی، پس از سال ۳۶۰ تا ۴۱۵ ق. در سایه حمایت بویهیان در شهر ری به تدریس و نشر کلام اعتزال اشتغال داشته است. همو چند اثر او را نام می‌برد که در پاسخ مسائلی است که از دور و نزدیک به او می‌رسیده است؛ از آن جمله کتاب *الخوارزمیات* و از شاگردان او، ابومحمد خوارزمی استاد کلام ابوحامد احمد بن نجار است<sup>۲</sup>. یاقوت و سبکی به نقل از *تاریخ خوارزم* نوشته ابومحمد ارسلان خوارزمی (د. ۵۶۸ق) می‌نویسند: برخی از خوارزمیان به هنگام قتل ابوالعباس مأمون که سلطان محمود به بهانه خونخواهی او، بر خوارزم حمله برد و دولت مأمونیان را منقرض کرد، در سال ۴۰۸ ق به تهمت بددینی به دار آویخته شدند<sup>۳</sup>. این امر تاییدی بر گرایش برخی خوارزمیان به اعتزال و فلسفه بوده است.

**دوره غزنوی و سلجوقی (حک: ۴۰۸-۴۹۱ق):** بررسی و پژوهش در آثار مورخان، تذکره‌نویسان، تراجم و طبقات پیرامون چهره‌های علمی و فرهنگی خوارزم در دوره غزنوی و سلجوقی معلوم می‌کند که در میان آنان<sup>۴</sup>، فقط یک شخص به نام محمد بن ابی‌الحسن خوارزمی معتزلی بوده است<sup>۵</sup>.

**دوره خوارزمشاهی (حک: ۵۲۱-۶۲۸ق):** با آن که سلسله خوارزمشاهی مانند غزنویان و سلجوقیان ترک تبار بود، ولی نظر به فراهم نمودن بستر مناسب برای گرد آمدن علما و دانشمندان و تربیت افراد فرهیخته به ویژه در حوزه کلام اعتزال و نیز نظر به تربیت علمی و فرهنگی آنان و آگاهی از موقعیت و جایگاه خود، از عقلگراترین سلسله‌های اسلامی به شمار می‌آید که سرزمین خوارزم و شرق عالم اسلام تا آن وقت به خود دیده بود و در سایه صلح،

۱. ثعالبی، ۱۹۵/۳، ۱۹۴/۴، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۴۲؛ سمعانی، ۴۰۸/۲؛ ابن خلکان، ۴۱۸/۲.

۲. ابن مرتضی، ۱۱۶، ۱۱۸.

۳. یاقوت، ۱۸۶/۱۷؛ سبکی، ۲۹۱/۷.

۴. برای نمونه، ابوسعید احمد بن ابراهیم خوارزمی (یاقوت، ۱۳۱/۲-۱۳۲؛ صفدی، ۲۰۶/۶-۲۰۷)؛ ابوسعید احمد بن محمد خوارزمی (د. ۴۴۸ق) (اسنوی، ۵۳/۲؛ شیرازی، ۱۳۹؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*؛ ۸/۱۸-۹)؛ ابوعلی حسن بن مظفر خوارزمی (د. ۴۲۲ق) (یاقوت، ۱۹۱/۹-۱۹۳؛ سیوطی، ۵۱۶/۱)؛ ابوعبدالله محمد کلثومی (یاقوت، ۲۲۵/۱۸-۲۲۶)؛ ابوالفضل احمد بن علی خوارزمی (یاقوت، ۶۷/۴-۶۸؛ صفدی، ۲۱۵/۷-۲۱۶)؛ ابوعمر محمد نسوی (د. ۴۷۸ق) (ذهبی، ۴۷۷/۱۸-۴۷۸؛ داودی، ۱۷۸/۲-۱۷۹)؛ ابوعبدالله محمد الکائی (د. ۴۸۱ق) (سبکی، ۹۳/۴-۹۴)؛ ابوسعید محمد بن منصور خوارزمی (د. ۴۶۴ق) (الحررضی یمانی، ۲۲۸)؛ ابوحامد محمد گرگانجی (سمعانی، ۵۵/۵؛ نسفی، ۲۰۶؛ یاقوت، ۲۳۰/۱۷-۲۳۲)؛ اسماعیل بن احمد بن حسین خسروجرودی (۴۲۸-۵۰۷ق) (سمعانی، *التحقیبیر*، ۸۳/۱-۸۴؛ سبکی، ۳۸۹/۳، ۳۹۵، ۴۴/۷؛ ابن کثیر، ۶۷۲/۶).

۵. ابن ابی الوفا، ۴۰/۲-۴۱، ۳۸۳.



آرامش و امنیت یکی از شکوفاترین دوره‌های علمی در تاریخ خوارزم شکل گرفت. درخور ذکر است که این سرزمین از آن‌جا که در مسیر جاده ابریشم قرار گرفته بود و بزرگ راه تبادل افکار و اندیشه‌های متفکران سرزمین‌های گوناگون نیز به حساب می‌آمد، از ظرفیت علمی و فرهنگی بالایی برخوردار بود، ولی شیوه حکومتی خوارزمشاهیان خاصه در فضای ناشی از سیاست دینی و مذهبی این سلسله، این استعداد را به فعالیت و شکوفایی رساند و بزرگ‌ترین ادبا و متکلمان را در تمدن اسلامی پرورش داد.

بنابر گزارش مورخان و تذکره‌نویسان، نخستین سرسلسله خوارزمشاهیان یعنی قطب‌الدین محمد (حک: ۴۹۱-۵۲۱ق) پادشاهی فاضل، علم دوست و دوستدار علما بود و تحصیل علم و ادب، جمع‌آوری کتب، همنشینی با فضلا و دانشمندان را بهترین اشتغال ایام زندگی می‌دانست. رفتار آزادمنشانه او و حمایت از صاحبان فرهنگ و معارف عقلی، زمینه مناسبی را برای تضارب آراء و عقاید گوناگون در این سرزمین فراهم نمود. برگزاری مجالس بحث و مناظره توسط خوارزمشاه و ارکان دولت، حضور متکلمان و فلاسفه با گرایش‌ها و عقاید گوناگون، و طرح آزادانه عقاید، از شاخص‌های مهم دوره فرمانروایی وی به شمار می‌رود<sup>۱</sup>. وی با برگزاری جلسات مناظره در شب‌های آدینه، پرسشی طرح می‌کرد و دیگران درباره آن سخن می‌گفتند<sup>۲</sup>.

از ویژگی‌های مهم خوارزم در سه دهه از فرمانروایی محمد خوارزمشاه، وجود امنیت و آسودگی خیال برای دانشمندان و متفکران بوده است. در سایه حسن سیاست و عدالت او به برکت درآمد هنگفت از شاهراه تجاری چنان رفاه و امنیتی فراهم آمد که انبوهی از دانشمندان به این سرزمین مهاجرت کردند، چنان که خوارزم در این ایام، مرکز تجمع متکلمان، فلاسفه، شعراء، اطباء، منجمان، تجار و دیگر افراد علاقمند به علم بود<sup>۳</sup>. کثرت علماء و تنوع علوم در قلمرو حکمرانی محمد خوارزمشاه شرایط مناسب اجتماعی و علمی برای توجه توده‌های خوارزمی به تحصیل علوم و فنون و کلام و فلسفه و ادب را فراهم نمود و در روند توسعه کلام و فلسفه در خوارزم تأثیر زیادی برجای نهاد<sup>۴</sup>.

۱. ابن اثیر، ۱۰/۹-۱۱؛ جوینی، ۲/۲-۳؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام* (۴۸۱-۴۹۰)، ۴۶؛ همو، *سیر اعلام النبلاء*، ۵۲۹/۱۹؛

ابن ابی اصیبه، ۴۷۲؛ جرجانی، ۲، ۶۴۳؛ ابوالفداء، ۲۰۶/۲؛ خوافی، ۲۰۸/۲، ۲۲۸، بناکتی، ۱۴۷، ۲۳۴؛ شبانکاره‌ای،

نیمه دوم، ۱۳۴؛ بیضاوی، ۱۲۸-۱۲۹.

۲. ابن ابی اصیبه، همانجا؛ جرجانی، ۲.

۳. ابن اثیر، ۱۱/۹؛ بیهقی، *تمه صوان الحکمه*، ۱۳۱؛ یاقوت، ۱۲۶/۱۹؛ جرجانی، ۲-۳؛ خواندمیر، ۱۳۱.

۴. ابن شهبة، ۲۹۹/۱-۳۰۰؛ سبکی، ۱۴۸/۶-۱۴۹؛ ذهبی، ۶۳۳/۱۹-۶۳۴.

بی‌تردید حضور گسترده‌ای از اندیشه‌ها، ادیان و مذاهب در ولایت خوارزم، در مقایسه با دیگر سرزمین‌های اسلامی، بی‌نظیر و یا کم‌نظیر بوده است. از فیلسوفان و متکلمان مهاجر به این خطه می‌توان به بهاء‌الدین ابومحمد خرقی<sup>۱</sup> (د. ۵۴۰ق)، ابوالفضل السعدبن ابی نصر میهنی<sup>۲</sup> (د. ۵۲۷ق)، علی‌بن‌محمد القانی<sup>۳</sup> (د. ۵۴۶ق) شاگرد حکیم عمر خیام، امام ابومحمد عبدالرحمن بن‌حسن بغدادی<sup>۴</sup> (د. ۵۳۱ق)، فیلسوف اسماعیلیه مذهب، عبدالکریم شهرستانی<sup>۵</sup> (د. ۵۴۸ق) و ابوالقاسم محمود بن‌عزیز العارزی (د. ۵۲۱ق) ملقب به شمس‌المشرق شاگرد حکیم نامور ابوالبرکات بغدادی اشاره کرد.<sup>۶</sup> برخی از علمای خوارزمی مانند ابوبکر محمد بن ابی‌سعید ذرغانی خوارزمی (د. ۵۴۸ق)، ابوالنجم محمد خوارزمی (د. ۵۴۶ق) و ابوالقاسم محمد خوارزمی (د. ۵۶۲ق) حکمت و فلسفه را از ابوالقاسم محمود العارزی فرا گرفتند.<sup>۷</sup> افزون بر این، در این دوره باید به سایر دانشمندان و صاحب‌نظران که با انگیزه‌های گوناگون

۱. ابن اثیر، ۳۲۳/۱۰؛ بیهقی، ۱۱۸، ۱۲۷؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۲۰۶/۲۰.

۲. ابن شهبه، ۲۹۹/۱-۳۰۰؛ سبکی، ۱۴۸/۶-۱۴۹؛ ذهبی، ۶۳۳/۱۹-۶۳۴.

۳. بیهقی، ۱۱۸؛ درة الاخبار، ۸۴-۸۵.

۴. ذهبی، تاریخ الاسلام (۵۲۱-۵۴۰) ۲۴۵.

۵. سمعانی (د. ۵۶۲ق) هم عصر شهرستانی می‌نویسد که وی اسماعیلیه مذهب بوده است (التحییر، ۱۶۰/۲-۱۶۲)؛ سبکی ضمن اشاره به این مطلب، می‌گوید که در کتاب الذیل سمعانی، از این سخن چیزی نیست و فقط در کتاب التحییر است، نمی‌داند سمعانی این مطلب را از کجا می‌گوید، چه تصانیف شهرستانی بر خلاف این دلالت دارد (سبکی، ۱۲۹/۶-۱۳۰)؛ بر خلاف نظر سبکی (د. ۷۷۱ق)، در تایید نظر سمعانی می‌توان به گفتار یاقوت حموی (د. ۶۲۶ق) اشاره کرد که به نقل از تاریخ خوارزم نوشته ابومحمد خوارزمی (د. ۵۶۸ق) می‌نویسد: «در چند مجلس از مجالس فلسفی او (شهرستانی) در خوارزم حاضر بودم (ابومحمد خوارزمی)، شهرستانی در حقانیت و تأیید تعالیم فلاسفه و دفاع از اهل قلاع (اسماعیلیه) مبالغه می‌کرد و به آنان متمایل بود». (یاقوت، معجم البلدان، ۳۷۷/۳، ذیل خوارزم)؛ ذهبی نیز که اثر هشتاد جلدی ابومحمد خوارزمی را تلخیص کرد در ترجمه احوال شهرستانی، به عین گفتار او را درباره شهرستانی نقل نموده است (ذهبی، تاریخ الاسلام (۵۴۱-۵۵۰) ۳۲۷-۳۲۹؛ همو، سیر اعلام النبلاء، ۲۸۷/۲۰-۲۸۸ و نیز صفدی، ۲۷۹/۳)؛ خواجه نصیرالدین طوسی (د. ۶۷۳ق) تاکید می‌کند که شهرستانی معلم داعی پدر او بوده و شهرستانی اسماعیلی و وی را داعی‌الداعیات می‌خواند (طوسی، ۳۸)؛ بنابراین نظر نویسنده مقاله «شهرستانی» که می‌گوید اسماعیلیه نزاری ایران، شهرستانی را اسماعیلیه مذهب دانسته‌اند، هیچ اعتبار تاریخی و علمی ندارد؛ نک:

MONNOT.B "shahrastani", *EF* vol.IX.p.216.

۶. یاقوت، معجم‌الادباء، ۱۲۶/۱۹.

۷. سمعانی، ۹۸/۲-۹۹؛ ۲۶۲-۲۶۳؛ صفدی ۳۴۰/۴؛ ذهبی، المشتبه، ۸۷/۱؛ سیوطی، ۲۶۵/۱.

اعم از راه یافتن به دربار و به دست آوردن مناصب دولتی و یا نشر علوم و یا بهره‌گیری از دانشمندان خوارزمی به این خطه مهاجرت کردند، اشاره نمود، مانند ابوبکر محمد سمعانی (د. ۵۱۰ ق) خطیب و واعظ جامع گرگانج<sup>۱</sup>؛ ابوالحسن عبدالغافر الفارسی (د. ۵۲۹ ق) مورخ و مدرس آثار قشیری در خوارزم<sup>۲</sup>؛ حسین بن علی منکدیم (د. ۵۱۷ ق) ادیب و شاعر<sup>۳</sup>؛ ابومحمد طلحه نعمانی (د. ۵۲۰ ق) ملقب به شمس الشعراء از ادیبان نامور<sup>۴</sup>؛ ابوعمر و عثمان بن محمد بقالی<sup>۵</sup>؛ ابوالبرکات عبدالصمد الجصاص (د. ۵۵۷ ق)، بازرگان و ریاضی‌دان<sup>۶</sup>؛ ابوالثناء محمود بخاری مولف کتاب *تاریخ خوارزم و ماوراءالنهر*<sup>۷</sup>؛ معزالدین عبدالعزیز بخاری فقیه بزرگ<sup>۸</sup>؛ ابوبکر عتیق بن عبدالعزیز سمرقندی<sup>۹</sup> (د. ۵۶۰ ق)؛ یعقوب بن شیرین جندی<sup>۱۰</sup>؛ رشیدالدین وطواط<sup>۱۱</sup> و سیداسماعیل جرجانی (د. ۵۳۱ ق) پزشک بزرگ اسلامی<sup>۱۲</sup>.

در این دوره، سرزمین خوارزم از جهت کثرت علمای خوارزمی، تنوع علوم و فراوانی تألیفات خاصه در حوزه ادبیات عربی نیز برجسته بود. در حوزه‌های فقه، حدیث، رجال، تفسیر و ادب دانشمندان بزرگی از خوارزم برخاستند؛ برای نمونه می‌توان به زین‌الائمه محمد وبری خوارزمی (د. ۵۱۰ ق)، مولف کتاب *الاضاحی در فقه حنفی*<sup>۱۳</sup>، ابوالحسن علی بن عراق خوارزمی (د. ۵۳۹ ق)، صاحب تفسیر *شماریح الدرر فی تفسیر القرآن*<sup>۱۴</sup>، عبدالجبار بن محمد خوارزمی (د. ۵۳۴ ق)،

۱. سبکی، ۸۷/۶؛ اسنوی، ۳۲۲/۱-۳۲۳.

۲. فوطی، ۳۹۱/۲-۳۹۲.

۳. صفدی، ۳۲۲/۲۳.

۴. یاقوت، ۲۶/۱۲؛ قفطی، ۹۳/۳-۹۴؛ ابن الانباری، ۲۶۷-۲۶۸.

۵. قفطی، ۹۳/۳.

۶. سمعانی، ۲۶۰/۱-۲۶۱.

۷. فوطی، ۴۲۹/۵.

۸. همو، ۳۴۲/۵.

۹. سمعانی، ۶۰۸/۱.

۱۰. یاقوت، *معجم البلدان*، ۱۶۸/۲.

۱۱. بیهقی، ۱۳۵؛ یاقوت، *معجم الادباء*، ۱۰۳/۱.

۱۲. ابن ابی اصیبه، ۴۷۲.

۱۳. ابن ابی الوفاء ۲۳۵/۱؛ ابن قطلوبغا، ۲۷.

۱۴. یاقوت، *معجم الادباء* ۶۳/۱۴-۶۴؛ سیوطی، ۱۷۹/۲.

محدث و صاحب آثاری در این فن<sup>۱</sup>، فخرالدین محمود خوارزمی از بزرگان علم لغت و نحو<sup>۲</sup>، محمدبن علی الحاکمی خوارزمی<sup>۳</sup> (د.۵۳۱ق)، ابوالحسین محمد الکاثی<sup>۴</sup> (د.۴۹۸ق)، ابوالحسن علی خوارزمی<sup>۵</sup> (د.۵۲۸ق)، ابوبکر محمدبن احمد خوارزمی<sup>۶</sup> (د.۵۰۳ق)، محمدبن عثمان نوباغی خوارزمی<sup>۷</sup> (د.۵۴۸ق)، ابوبکر محمدبن عبدالرحمن گرگانجی، مقری بزرگ<sup>۸</sup> و فخر خوارزم جارالله زمخشری<sup>۹</sup> (د.۵۳۸ق) ادیب بی‌بدیل اشاره داشت که هریک از آنها در نشر علوم و معارف اسلامی به فعالیت مشغول بودند. در این دوره، خوارزم از جذابیت‌های فلسفی و عقلی نیز بهره‌مند بود و دانشمندان بزرگی در این حوزه به ظهور رسیدند؛ برای نمونه، ابوالقاسم محمود خوارزمی (د.۵۲۱ق) ملقب به «جاحظ ثانی» فیلسوف نامور این سرزمین و استاد شماری از دانشمندان خوارزمی در حوزه حکمت و معارف عقلی که تا پایان عمر در دربار شاهی در کنف حمایت محمد خوارزمشاه زیست و بسیار مورد احترام وی بود<sup>۱۰</sup>.

بی تردید، حیات علمی و اجتماعی خوارزم بی‌ارتباط با موقعیت جغرافیایی این خطه نبوده است. این سرزمین به واسطه موقعیت اقتصادی و بازرگانی، نقطه تلاقی و شاهراه تجاری کاروان‌های تجاری چین، هند، روسیه، بلغار و اروپای شمالی بود و از این جهت اقوام، ملت‌ها، ادیان و مذاهب و اندیشه‌های گوناگونی را در جامعه خود پذیرا می‌گشت. خوارزمیان نظر به مناسبت بازرگانی و تعاملات اقتصادی خاصه با اقوام کناره‌های دریای سیاه که محل تبادل و نفوذ زبان و افکار یونانی بود، از فرهنگ و اندیشه‌های یونانی متأثر بودند. این امر، یعنی تنوع ادیان و مذاهب و ملت‌های مختلف در آن، آنان را به نوعی تسامح و تساهل فکری و فرهنگی رهنمون ساخته بود، به ویژه نسبت به وارثان فرهنگ یونان یعنی معتزله که در جذب و گرایش به آن بی‌تاثیر نبود<sup>۱۱</sup>، از این‌رو، کوشش‌های ابومضرب صبی، بسط‌دهنده آموزه‌های کلامی

۱. الحررضی یمانی، ۴۲۰؛ ابن ابی الوفاء، ۲۹۶/۱.

۲. فوطی، ۱۹۱/۳.

۳. صفدی، ۱۸۴/۴-۱۸۵.

۴. سبکی، ۱۱۴/۴.

۵. ذهبی، المشتبه، ۶۷/۱.

۶. سبکی، ۸۹/۶.

۷. صفدی، ۸۶/۴.

۸. سمعانی، الانساب، ۵۵/۵.

۹. ابن خلکان، ۸۶/۳.

۱۰. بیهقی، ۱۳۱؛ صفدی، ۲۷۹/۲۵؛ شهرزوری، ۴۱۲؛ یاقوت، ۱۲۶/۱۹.

11. Bosworth, "KATH", *ET*<sup>2</sup>, V.IV, P. 753. vol. IV, p.753, 1dem, "KH"ĀRAZM", →

بازپسین مکتب اعتزالی بصری در منطقه خوارزم، با استقبال کثیری از دانشمندان و عالمان خوارزمی مواجه شد. در این میان، جو فکری و مذهبی خوارزم زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم در این روزگار رقیب علمی و فرهنگی آن، خراسان و ماوراءالنهر از جهت دینی و اجتماعی وضع بسامانی نداشته است. مختصات مذهبی این دوره در شهرهای خراسان و ماوراءالنهر رقابت‌ها، خصومت‌ها، مشاجرات و دسته‌بندی‌های خونین میان شافعیه و حنفیه بر ضد جریان کرامیه و تعصبات فرقه‌ای و مجادلات مذهبی حنفیان و شافعیان در مقابله با یکدیگر بوده است.<sup>۱</sup> پیروان ماتریدیه<sup>۲</sup> نیز به همان اندازه با کرامیه مخالف بودند که با شافعیه که عمدتاً در اصول، مسلک اشعری داشتند. آنان اشاعره را وابسته به اهل سنت و جماعت نمی‌دانستند و برخی از آموزه‌های ایشان را کفر می‌شمردند.<sup>۳</sup> در این اوضاع که فرقه‌های مزبور با وجود وجوه اشتراک در برخی آموزه‌های کلامی که لازمه آن تفاهم است، به این میزان گرفتار جنگ‌های متناوب مذهبی و حتی تخریب مراکز علمی و فرهنگی هم‌دیگر بودند<sup>۴</sup>، می‌توان به وضع طرفداران عقاید اعتزال و یا فلسفه به خوبی پی برد که تا چه میزان تحت فشار بودند و در چه شرایطی به سر می‌بردند.

←*El<sup>2</sup>*, v.IV, pp. 1061-2; Togan, *kharazmian glossary of the mugaddimat Al-adab (Istanbul universittisi Edebiyat fakultesi yayin larindan) Ist, 1957, PP. 20-21.*

۱. ابن اثیر، ۴۰۶/۸؛ ۴۱۹/۹، ۴۷۸-۴۷۹؛ ابن ابی الوفاء، ۷۳/۲؛ سبکی، ۲۱/۴؛ لکنوی، ۱۸۴؛ محمدبن عبدالله بلاساغونی (۵۰۶ق) فقیه حنفی و از مخالفان پرشور معتزله، علیه شافعیه به حدی ضدیت داشت که می‌گفت در صورت احراز قدرت از آنان جزیه خواهد گرفت (یاقوت، معجم البلدان، ۴۷۶/۱؛ ابن ابی الوفاء، ۱۳۵/۲؛ ابن قطلوبغا، ۵۹).

۲. منسوب به ابومنصور محمدبن محمود ماتریدی سمرقندی (۳۳۳ق) بود. این طریقه مذهبی اساساً حرکتی علیه جریان عقل‌گرایی معتزله و جبر بی‌چون و چرای اشاعره، نجاریه و کرامیه بود و در قرن پنجم ق در شهرهای ماوراءالنهر تا اقصای نقاط شهرهای مرزی ترکستان در حال پیشروی و توسعه بود (مادلونگ، «ترکها و اشاعه ماتریدیه» مکتبها و فرقه‌های اسلامی، ۳۸-۳۹، ۴۴؛ بطروشفسکی، ۲۳۴؛ درباره نمایندگان نامی ماتریدیه در قرون ۵ و ۶ ق نک: (ابن قطلوبغا، ۶۵، ۶۹؛ ابن ابی الوفاء، ۱۸۹/۲، ۱۹۰، حاجی خلیفه، ۴۸۴/۱، ۵۶۳، ۵۶۸، ۱۰۱۶/۲، ۱۵۸۱؛ زرکلی، ۶۱/۱).

۳. ویژگی خاص نحوه برخورد حنیفان ماوراءالنهر در کتاب *الاصول فی التوحید* نوشته ابوعصمت عبدالواحدبن زید بخاری آمده است نک: (حسنی رازی، ۹۳ و صفحات بعد، میرزا نیا، «آثار و افکار ابومنصور ماتریدی»، کیهان اندیشه، ش ۴۰ (بهمن و اسفند ۱۳۷۰ ش) ۷۵؛ رضانژاد، «ماتریدی رقیب گمنام معتزله و اشعری»، کلام اسلامی، س دوازدهم (پاییز ۱۳۸۲ ش) ۱۱۲-۱۱۵).

۴. یاقوت، ۲۰۹/۱، ۱۱۷/۳؛ ابن اثیر، ۴۷۸/۹-۴۷۹.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در این دوره فلاسفه و معتزله جرأت ابراز عقاید خویش را نداشتند و مجبور به انکار علنی عقایدی نظیر «رؤیت خدا» و «غیر مخلوق بودن کلام الله» می‌شوند و در صورت اظهار آموزه‌های اعتقادی به جرم عقاید فلسفی و کلامی به کفر و الحاد متهم می‌گشتند و با ضرب و آزار و طرد و تبعید از سوی علمای متعصب قشری‌نگر مواجه می‌شدند.<sup>۱</sup> آنچه از متون تاریخی، تراجم و طبقات برمی‌آید این است که طبقه فقیهان، محدثان و مؤمنان قشری مذهب در خراسان و ماوراءالنهر نسبت به فرهنگ و معارف عقلی نظری کاملاً منفی داشتند و فعالیت دانشمندانی چون ابوالقاسم محمود خوارزمی (د. ۵۲۱ق) را در فلسفه و شهرستانی را در علوم عقلی در خوارزم بر نمی‌تافتند و آنان را به کفر و الحاد متهم می‌ساختند.<sup>۲</sup> این وضع در شرق عالم اسلام دور از تختگاه عباسیان بود؛ در بغداد این مبارزه و سخت‌گیری با شدت هرچه بیشتر دنبال می‌شد، چنان که برخی از متفکران معتزله به سبب نفوذ علمای حنبلی، به جرم عقاید اعتزالی حق ورود به مرکز خلافت را نداشتند.<sup>۳</sup>

#### ابومضرب محمودبن جریر ضبّی در خوارزم

در این شرایط، ابومضرب محمودبن جریر ضبّی اصفهانی<sup>۴</sup> (د. ۵۰۸ق) یکی از پروردگان مدرسه عقلی ابوالحسین بصری در خوارزم ظهور کرد و با استفاده از امنیت و آرامش حاکم بر خطه مزبور و حمایت قطب الدین محمد خوارزمشاه که به نشر کلام اعتزال همت گمارد. همان‌گونه که بیهقی (د. ۵۶۵ق) نقل می‌کند، ابومضرب حکیم و دانشمندی بلند همت بوده و در علوم و معارف عقلی خاصه در هندسه و ریاضی دستی قوی داشته است.<sup>۵</sup> یاقوت درباره ابومضرب و ظهور

۱. عبدالجلیل رازی، ۵۲؛ سمعانی، *التحییر* ۱۶۰/۲-۱۶۲؛ قزوینی، ۳۸۷؛ ابن جوزی، ۱۰۶/۱۰، ۱۴۳؛ ابن ابی الوفاء، ۳۵۷/۱، ۸/۲-۹، ۱۶.

۲. یاقوت، *معجم‌الادباء*، ۱۲۶/۱۹؛ صفدی، ۲۷۹/۲۵، سیوطی، ۲۷۹/۲.

۳. ابن ابی الوفاء، ۸/۲-۹، ۱۶؛ در مورد وضعیت برخی فلاسفه مانند ابومنصور عبدالسلام نک (قفطی، ۲۲۸-۲۲۹؛ ابن اثیر، ۳۶۳/۱۰).

۴. بیهقی، تاریخ درگذشت ابومضرب ضبّی را در ۲۷ شوال ۵۰۸ ق نوشته است، اما یاقوت می‌گوید ابومضرب در سال ۵۰۷ ق وفات یافته، در حالی که صفدی و سیوطی به نقل از او می‌نویسند وفات ابومضرب بعد از سال ۵۰۷ ق بوده است. (بیهقی، ۱۱۹؛ یاقوت، ۱۲۴/۱۹؛ صفدی، ۲۵۷/۲۵، ۲۷۶/۲).

۵. بیهقی، ۱۱۸.

وی در خوارزم و نشر اعتزال در بین اهالی آن می‌گوید<sup>۱</sup>:

ابومضر ملقب به فرید العصر در علم لغت، نحو و طب یگانه بوده و در انواع فضائل ضرب المثل بوده؛ مدتی در خوارزم اقامت کرد، مردم از علم و اخلاق او انتفاع یافته‌اند و علم کثیری از او اخذ کرده‌اند و جماعتی از اکابر علمای لغت و نحو در محضر او درس خواندند. ضبی مذهب اعتزال را به خوارزم برد و این مذهب را در خوارزم انتشار داد. به سبب جلالت قدر او بسیاری از خوارزمیان، آن مذهب را پذیرفتند.

صلاح الدین صفدی (د.۷۶۴ق) علاوه بر نقل گفتار یاقوت، در شرح حال ابومضر ضبی به این نکته اشاره می‌کند که او مذهب کلامی ابوالحسین محمدبن علی بصری را به خوارزم برد و اهل خوارزم را پیرو مکتب کلامی البصری گرداند<sup>۲</sup>.

در مجموعه منشآت دیوانی خوارزمشاهیان، نامه‌ای است به قلم رشیدالدین وطواط (د.۵۷۳ق)، دبیر و رئیس دیوان رسالت اتسز (حک: ۵۲۱-۵۵۱ق) و ایل ارسلان خوارزمشاه (حک: ۵۵۱-۵۶۸ق)، خطاب به یکی از رجال عصر که در آن راجع به چندتن از بزرگان خوارزم و فضل و دانش دوستی خوارزمشاهیان سخن رانده و ضمن ملازمت برخی دانشمندان در بارگاه دولت خوارزمشاهیان، در بیان یکی از فضائل خوارزم می‌نویسد: همانا خطه خوارزم در سایه حکومت عادلانه سلاطین خوارزمیه مجمع علما و دانشمندان و چمنزار فضلا و حکمای محقق و مبرز چون «امام فرید العصر ابی مضر الضبی» به شمار می‌رود که با فراغ خاطر به اشاعه نور دانش و فضل مشغول بودند و حوزه‌های علمی و ادبی آن را گرمی می‌بخشیدند<sup>۳</sup>.

این سند که در دوره حکمرانی اتسز خوارزمشاه نوشته شده، تا حدودی نگرش صاحب

۱. یاقوت، ۱۲۳/۱۹-۱۲۴؛ سیوطی، ۲۷۶/۲.

۲. صفدی، ۲۵۷/۲۵؛ لازم به ذکر است در هیچ یک از آثار جدید که به شرح احوال و نقش و سهم سید اسماعیل جرجانی در طب اسلامی صفحاتی را به آن اختصاص داده‌اند، اشاره‌ای به استادش ابومضر ضبی و فراگیری اعتزال جرجانی از این حکیم و دانشمند اصفهانی نشده است (براون، ۱۴۸-۱۵۰؛ الگود، ۲۴۹-۲۵۱، ۲۷۳؛ تاج بخش، ۳۱۷/۲-۳۳۲).

Schacht, j, "AL-DJURDJANI," *EF*<sup>2</sup>, VOL. II, P. 603;

هم چنین در مدخل «زمخشری» نیز به استادش ابومضر ضبی اشاره نشده است.

Versteegh, c, "AL-ZAMAKH SHARf" *EF*<sup>2</sup>, VOL. XI, PP. 432-34)

۳. وطواط، ۶۴/۱.

منصبان دیوانی را نسبت به ابومضرب ضبی و فعالیت وی در خطه خوارزم را برای ما معلوم می‌کند. نکته قابل توجه در این نامه، ذکر نام دوتن از شخصیت‌های برجسته این سرزمین، یعنی سید اسماعیل جرجانی (د. ۵۳۱ق) دانشمند و پزشک معروف و ادیب برجسته، ابوالقاسم زمخشری (د. ۵۳۸ق) است که هر دو از دانشمندان و صاحب‌نظران بزرگ دارالملک خوارزمشاهیان بودند.<sup>۱</sup>

در یک رساله ادبی به نام شرح لطیف نوشته ناصرالدین مطرزی خوارزمی (۵۳۸-۶۱۰ق) که از ارزش تاریخی فراوان برخوردار است، به نقل از کتاب الزاجر للصغار عن معارضة الکبار، به حضور ابومضرب ضبی در خوارزم و تلمذ چند تن از ادبا و بلغان نزد او در خطه خوارزم، نظیر سیدعلی بن منکدیم<sup>۲</sup> (د. ۵۱۷ق)، محمدبن علی الحاکمی خوارزمی<sup>۳</sup> (د. ۵۳۱ق)، عبدالله بن محمد خوارزمی<sup>۴</sup> (د. بعد از ۵۲۰ق)، علی بن احمد خوارزمی<sup>۵</sup> (د. ۵۳۹ق) اشاره شده است که به سبب دانش وسیع، اندیشه بلند و جلالت قدر او به مکتب اعتزال گرایش پیدا کردند و توسط آنان خاصه یکی از بزرگ‌ترین پرورش یافتگان مدرسه عقلی و ادبی ضبی، جارالله زمخشری در گرگانج دارالملک خوارزمشاهیان بسط و گسترش فراوانی یافت. اصحاب و شاگردان ضبی، نه فقط بهره‌های ادبی و کلامی، بلکه بهره‌های فراوان اخلاقی و حتی مالی نیز از او برده‌اند. اشعاری که در مدح و رثای او سروده شده، گواه صادق این مدعاست.<sup>۶</sup>

### زمخشری و اعتزال

ابوالقاسم محمود زمخشری (د. ۵۳۸ق) ملقب به جارالله یکی از متکلمان بزرگ این روزگار است که سهم مهمی در توسعه مذهب کلامی ابومضرب ضبی در این دوره در دارالملک خوارزمشاهیان ایفا نمود. زمخشری در مذهب اعتزال بسیار پافشاری داشت و با این که در این دوره اشعری‌ها از متفکران معتزله دلخوشی نداشتند، با کمال بی‌پروائی همه جا اصول کلامی اعتزال را تبلیغ می‌کرد.

۱. همانجا.

۲. مطرزی خوارزمی، ۱۹-۲۰.

۳. همو، ۲۰، ۱۷۰.

۴. همو، ۲۰، ۱۷۱، ۱۸۲، ۱۹۰.

۵. همو، ۲۰، ۱۷۱.

۶. یاقوت، ۱۲۴/۱۹؛ قفطی، ۲۶۷/۳؛ ابن خلکان، ۸۸/۳؛ صفدی، ۲۵۷/۲۵؛ ابن دمیاطی، ۲۲۸-۲۲۹؛ ابن خطیب، ۲۷۸؛ ابن عماد، ۱۱۸/۴-۱۱۹؛ ذهبی، دول الاسلام، ۵۶/۲؛ ابن تغری بردی، ۲۶۶/۵.



وی از مدافعان و مروجان پرشور اعتزال و رهبر فکری شماری از پیروان معتزله خوارزم بود و دانشمندان بزرگی را در مدرسه عقلی خود پرورش داده است. قفطی در این باره می‌نویسد<sup>۱</sup>: «کان الزمخشری اعلم فضلاء العجم بالعربیه فی زمانه ... و کان متحققاً بالاعتزال». یاقوت می‌گوید<sup>۲</sup>: «ابوالقاسم الزمخشری، کان اماماً فی التفسیر و النحو ... معتزلی المذهب متجاهراً بذلک». سیوطی نیز درباره زمخشری می‌نویسد<sup>۳</sup>: «معتزلیاً فی مذهبیه، مجاهراً به، داعیه الی ...» ابن خلکان در ترجمه حال زمخشری به نکته‌ای اشاره می‌نماید که می‌توان میزان اعتقاد این شخصیت را نسبت به اعتزال معلوم ساخت<sup>۴</sup>: «و کان الزمخشری معتزلی الاعتقاد متظاهراً به [صدی: داعیه فی الاعتزال]، حتی نقل عنه انه کان اذا قصد صاحباً له و استأذن علیه فی الدخول یقول لمن یاخذ له الاذن: قل له، ابوالقاسم المعتزلی بالباب».

اعتقاد به اعتزال در بسیاری از آثار زمخشری خاصه در *الکشاف آشکارابه چشم می‌خورد و به گفته ابن خلکان، این کتاب را با این عبارت «الحمد لله الذی خلق القرآن» آغاز کرده بود که با مخالفت اطرافیان مواجه شد و «خلق القرآن» را به «جعل القرآن» تغییر داد البته «جعل» از نظر لغوی به معنی خلق می‌باشد. در نسخه‌های موجود الکشاف، عبارت «الحمد لله الذی انزل القرآن» دیده می‌شود که این تغییر و اصلاح از جانب دیگران صورت گرفته است و نه از جانب زمخشری.<sup>۵</sup> زمخشری در اثر نفیس و گرانسنگ خود، *الکشاف* که عصاره اندیشه‌های کلامی و ادبی او است و عمده‌ترین منبع نظری معتزله خوارزم به شمار می‌رود<sup>۶</sup>، تمام توان خود را برای تطبیق آیات با اصول کلامی اعتزال به کار می‌گیرد و با تکیه بر قرائت قاریان، آثار فرهنگ‌نویسان و لغویان و نکته‌های بلاغی، سعی می‌کند به نفع اصول فکری اعتزال بهره‌گیرد<sup>۷</sup>. موضع‌گیری‌های کلامی و اعتقادی او در تفسیر *الکشاف* باعث شده که برخی از مفسران اهل سنت بر آن خرده‌گیرند و آن را برای عقاید خود*

۱. قفطی، ۲۷۰/۳؛ ابن انباری، ۲۷۴.

۲. یاقوت، ۱۲۶/۱۹؛ و نیز: ابن جوزی، ۱۱۲/۱۰؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء* ۱۵۱/۲۰-۱۵۲؛ همو، *العبر*، ۲۵۵/۲؛ ابن حجر، ۴/۶.

۳. سیوطی، ۲۷۹/۲.

۴. ابن خلکان، ۸۷/۳؛ صدی، ۲۵۰/۲۵.

۵. ابن خلکان، همانجا؛ صدی، همانجا؛ حاجی خلیفه، ۱۷۴۶/۲.

۶. المؤید بالله، ۹۴۶/۲؛ داودی، ۳۵۴/۲.

۷. زمخشری، ۱/س.

مضر دانند.<sup>۱</sup> تعصب‌آمیزترین رد و نقد بر آن، *الانتصاف* نوشته احمد بن محمد، معروف به ابن منیر (د. ۶۸۳ق)، است که گفتار زمخشری را تحت عنوان «قال محمود» می‌آورد و آنگاه نقدها و اعتراضات خود را با عنوان «قال احمد» در پی آن می‌نگارد. ابن منیر نوشته خود را صریحاً به عنوان انتقام جویی از زمخشری بخاطر هجوم‌ها و حملات وی به «اهل سنت» معرفی می‌کند.<sup>۲</sup> وی نگاشته‌اش را دفاع از اسلام، مقابله با اهل بدعت و هم‌سنگ جهاد فی سبیل الله می‌شمارد.<sup>۳</sup>

انگیزه زمخشری در تفسیر *کشاف*، دفاع از اصول و مبانی اعتزال و درخواست پیاپی معتزلیان خوارزم در مورد کشف حقایق از قرآن کریم بوده است.<sup>۴</sup> وی معتزله را فرقه ناجیه می‌داند و در ذیل آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ...»<sup>۵</sup>، پس از تفسیر آیه و آوردن پرسش‌ها و پاسخ‌ها می‌گوید: اگر بپرسی مرا از «اولوالعلم» که خداوند آنان را بزرگ داشته و با خود و ملائکه در شهادت بر یگانگی اش هم ردیف ساخته کیستند؟ جواب می‌دهم: آنان کسانی هستند که عدل و یگانگی خداوند را با براهین قاطع و استدلال‌های درخشان و پرتو افکن به ثبوت رسانده‌اند؛ آنان عالمان عدل و توحیدند.<sup>۶</sup> روشن است که این تعبیر در قلم زمخشری کسی جز عالمان معتزله نیستند، زیرا عدل و توحید، دو اصل بنیادی مکتب اعتزال است.

زمخشری چنان که هیچ فرصتی را بر تأیید آراء معتزله از دست نمی‌دهد، از هیچ موقعیتی نیز برای حمله به مخالفان اندیشه‌های اعتزالی چشم نمی‌پوشد. وی هنگامی که از دشمنان کلامی خود، اشاعره، یاد می‌کند، آنان را با نام‌هایی چون مجتبه، مشبهه و حشویه و گاه نیز مبطله می‌خواند<sup>۷</sup> و در ذیل آیه ۱۸ و ۱۹ سوره آل عمران، به صراحت مخالفان اندیشه را خارج از دین تلقی می‌کند<sup>۸</sup> و آیه ۷۷ سوره مائده<sup>۹</sup> را به آنان معطوف می‌کند و به آنان می‌گوید که شما آنچه را متکلمان معتزله انجام

۱. ذهبی، *میزان الاعتدال*، ۷۸/۴؛ همو، *تذکره الحفاظ*، ۳۱۸/۳؛ قزوینی، ۵۳۳؛ ابن حجر، ۴/۶.

۲. داودی، ۱۴۳/۱؛ حاجی خلیفه، ۱۴۷۷/۲-۱۴۷۸.

۳. ابن منیر، *الانتصاف*، حاشیه الکشاف، ۳۴۹/۱ ش ۱.

۴. زمخشری، ۱/س.

۵. آل عمران، ۱۸.

۶. همو، ۳۴۴/۱-۳۴۵.

۷. همو، ۱۰۵/۱-۱۰۶؛ ۳۹۹.

۸. همو، ۳۴۴/۱-۳۴۶.

۹. «لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ...»

می‌دهند، انجام نمی‌دهید، از حق روی گردان، از ادله‌گیران و از پیروان باطل هستید<sup>۱</sup>. زمخشری در کنار تصنیف *الکشاف* که با استفاده از روش عقلی و استناد بر آیات قرآنی به اثبات و تحکیم اصول و قواعد اعتزال می‌پرداخت، به تعلیم نیز اهتمام جدی داشت و در طول حیات علمی و فرهنگی خود در خوارزم، شاگردان بزرگی را در طریقه کلامی ابوالحسین بصری بپرورد و از طریق آنان، اصول و آموزه‌های کلامی اعتزال را در دوره خوارزمشاهیان استمرار بخشید. مهم‌ترین شاگردان وی که در گرگانج، دارالملک خوارزمشاهیان، کلام اعتزال را در مدرسه عقلی و فکری زمخشری فراگرفتند<sup>۲</sup> و هریک از آنان در عصر خود از مروجان آن و استاد نسل بعد به شمار می‌رفتند، اینانند: ابوالحسن علی بن محمد عمرانی (د. ۵۶۰ق) ملقب به حجة‌الافاضل و فخرالمشایخ<sup>۳</sup> و استاد کلام ابوعلی علاء‌الائم طاهر خیاطی خوارزمی (د. ۶۴۵ق) فقیه و محتسب خوارزم و دانشمند مقرب دربار محمد خوارزمشاه<sup>۴</sup> (حک: ۵۹۶-۶۱۷ق)؛ محمدبن ابی‌القاسم بایجوک خوارزمی (د. ۵۶۲ یا ۵۷۶ق)<sup>۵</sup> مکنی به ابی‌الفضل معروف به الآدمی ملقب به زین‌المشایخ<sup>۶</sup>؛ الموفق بن احمد خوارزمی (د. ۵۶۸ق) مکنی به ابی‌الموید ملقب به «اخطب خوارزم»<sup>۷</sup>، استاد کلام و ادب ابی‌الفتح ناصر مطرزی خوارزمی<sup>۸</sup> (۵۳۸-۶۱۰ق)، ابویوسف یعقوب بن شیرین جندی (د. بعد از سال ۵۴۸ ق)، صاحب نظر در

۱. همو، ۶۶۵/۱-۶۶۶.

۲. در مورد سایر شاگردان زمخشری از طبرستان، ابیورد، سمرقند و مکه نک: سمعانی، ۱۶۳/۳-۱۶۴؛ ابن‌انباری، ۲۷۴-۲۷۶؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء* ۱۵/۲؛ المؤید بالله، ۹۷۸/۲.
۳. یاقوت، ۶۱/۱۵-۶۲؛ فوطی، ۱۹۵/۲؛ صفدی، ۹۴/۲۲؛ ابن‌ابی‌الوفاء، ۳۸۷/۱، ۳۰۵/۲، ۳۸۱؛ داودی، ۴۳۱/۱؛ حاجی‌خلیفه، ۱۰۲/۱، ۴۴۷، ۱۹/۲، ۱۳۹۸.
۴. ابن‌ابی‌الوفاء، ۳۰۵/۲، ۳۸۱؛ نسوی، ۱۲۵؛ فوطی، ۳۰۲/۲.
۵. یاقوت، تاریخ درگذشت او را ۵۶۲ ق نوشت (یاقوت، ۵/۱۹)؛ ابن‌ابی‌الوفاء سال ۵۷۶ ق نوشته است (۳۷۲/۲)؛ اما حاجی‌خلیفه در معرفی آثار او در چند جا به ترتیب ۵۶۲، ۵۷۶ و ۵۸۶ نوشته است (۱۳۲/۱، ۵۹۵، ۱۷۶۰/۲، ۱۸۲۹).
۶. ابن‌ابی‌الوفاء، ۲۸۹/۲، ۳۷۲؛ یاقوت، همانجا؛ صفدی، ۳۴۰/۴؛ داودی، ۲۳۰/۲؛ سیوطی، ۲۱۵/۱؛ ذهبی، *المشبه*، ۸۷/۱؛ حاجی‌خلیفه، ۵۱/۱، ۸۴، ۹۱، ۱۲۰، ۱۳۲، ۴۸۸-۴۸۹، ۱۸۲۹/۲، ۲۰۴۰، ۱۲۲۱، ۱۰۸۱، ۱۰۳۲، ۱۷۶۰.
۷. ذهبی *المختصر*، ۳۶۰؛ غزی، ۲۷۱/۲؛ منذری، ۷۳-۷۲/۴؛ محمود خوارزمی، ۲۰/۱، ۲۲، ۷۶؛ فوطی، ۱۹۳/۳.
۸. المؤید بالله، ۹۷۶/۲.

تفسیر *الکشاف*، و ادیب و دبیر دیوان رسالت اتسز خوارزمشاه<sup>۱</sup>، عالی بن ابراهیم غزنوی<sup>۲</sup> (د. ۵۸۲ق) و خلف بن عبدالرحمن مکی خوارزمی<sup>۳</sup> (د. بعد از ۵۶۰ق).

به گفته مورخان، در این دوره مکتب اعتزال با برخورداری از رهبری کسانی چون ابوالحسن علی بن محمد عمرانی خوارزمی و محمد بن ابی القاسم خوارزمی جانی تازه گرفت و در خوارزم رشد و توسعه بسزایی یافت؛ به طوری که در این روزگار متفکران خوارزم و توده‌های آن کاملاً تحت تاثیر جریان اعتزال قرار گرفتند و با جدیت و تعصب فراوان در نشر و گسترش آن کوشیدند<sup>۴</sup>. البته در این میان، سیاست دینی و مذهبی خوارزمشاهیان در جانبداری از جریان معتزله و مبارزه و با سایر مذاهب و مکاتب تاثیر زیادی داشته است<sup>۵</sup>.

### پیشرفت مکتب کلامی اعتزال در خوارزم

حکومت عادلانه خوارزمشاهیان، فضیلت‌طلبی و دانش‌دوستی ایشان<sup>۶</sup> و وزراء فرهنگ دوست آنان<sup>۷</sup> آرامش و امنیت اجتماعی را بر آن قسمت از حوزه فرمانروایی آنها مستقر کرد و این امر مقدمه لازم بسط فرهنگ و علوم عقلی شد و شهرهای خوارزم چنان آباد و شکوفا شد که اندیشمندان با فراغ خاطر به درس و بحث مشغول شدند و در مراکز علمی آن کسانی در عرصه کلام اعتزال پرورش یافتند که هیچ دوره‌ای از دوره‌های سیاسی و علمی آن شاهد چنین درخشش و شکوفایی نبوده است<sup>۸</sup>. در این روزگار، در هر گوشه و کنار آن متکلمان و فیلسوفان بزرگی به ظهور رسیدند که هریک از آنان در عصر خود از مدافعان جدی فرهنگ و معارف عقلی به شمار می‌رفتند و آثاری

۱. ابن انباری، ۲۷۴؛ یاقوت، *معجم البلدان*، ۱۶۸/۲-۱۶۹؛ صفدی، ۹۵/۲۸؛ ذهبی، *المشئبه*، ۱۸۱/۱؛ سمعانی،

۹۵/۲؛ وطواط، *عرائس الخواطر*، ۵۸، ۱۰۹-۱۱۰؛ همو، *مجموعه رسائل*، ۵۲/۱-۵۳، ۶۰.

۲. ابن قطلوبغا، ۴۹-۵۰؛ حاجی خلیفه، ۴۶۶/۱.

۳. ابن ابی الوفاء، ۲۳۲/۱-۲۳۳، غزی، ۲۱۳/۳.

۴. داودی، ۱۳۱/۱؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام* (۵۶۱-۵۷۰ق)، ۳۳۶-۳۳۷.

۵. نک:

۶. غسانی، ۲۵۶؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ۵۲۹/۱۹؛ همو، *تاریخ الاسلام* (۴۱۱-۴۹۰ق)، ۴۶؛ همو، *العبر*، ۱۷۳/۳-

۱۷۴؛ صفدی، ۲۷۵/۲؛ سبکی، ۳۳۱/۱-۳۳۲.

۷. نک: وطواط، *مجموعه الرسائل* ۱۷/۱-۱۸، ۱۷/۲، ۴۹-۵۰، ۶۴، ۶۶-۶۷؛ نسوی، ۷۱-۷۰؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*

(۵۹۱-۶۰۰ق) ۲۷۱-۲۷۲؛ صفدی، ۵۲۲/۲۵-۵۲۳؛ سبکی، ۲۹۶/۷-۲۹۷.

۸. نک: ابن خلکان، ۱۸۴/۳-۱۸۵؛ قفطی، ۳۳۲/۳؛ المؤید بالله، ۹۷۶/۲.

در زمینه کلام و فلسفه به رشته تحریر کشیدند.<sup>۱</sup>

یاقوت حموی (د.۶۲۶ق) که در سال‌های ۶۱۶-۶۱۷ ق از خوارزم دیدن کرده، توصیفی از وفور علما و دانشمندان و آبادانی شهرهای خوارزم به دست داده که در مقایسه با دیگر عالم اسلام بی نظیر بوده است<sup>۲</sup> و نسوی که مدتی در دولت خوارزمشاهیان اشتغال داشت، شرحی که از مدارس و کتابخانه‌های گرگانج تختگاه خوارزمشاهیان می‌نویسد، حقیقتاً شگفت‌آور است.<sup>۳</sup>

در این دوره، ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی و آزادی علوم عقلی و توسعه اقتصادی خوارزم تا بدان حد بود که دانشمندان، متکلمان مذاهب و فرقه‌های مختلف اعم از ماتریدی<sup>۴</sup>، حنبلی<sup>۵</sup>، مالکی<sup>۶</sup>، اشعری<sup>۷</sup>، حشویه<sup>۸</sup>، اسماعیلیه<sup>۹</sup>، متصوفه<sup>۱۰</sup> و نیز فقیهان، محدثان، ادیبان و تجار و بازرگانان کثیری با انگیزه‌های متفاوت به این خطه می‌آمدند و با اندیشمندان و متفکران خوارزمی به مناظره و بحث می‌نشستند.<sup>۱۱</sup> در این جا، از باب نمونه، اسامی برخی از آنها را به دست می‌دهیم: ابومحمد عبدالرحمن بن الحسن بغدادی (د.۵۳۱ق) متکلم بزرگ<sup>۱۲</sup>، ابوالبرکات

۱. نک: بیهقی، ۱۱۸، ۱۲۷؛ دُرّة الاخبار، ۸۴-۸۵؛ ابن اثیر، ۳۲۳/۱۰-۳۲۴؛ یاقوت، ۱۲۶/۱۹؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۲۰۶/۲۰؛ سیوطی، ۲۷۹/۲؛ صفدی، ۲۷۹/۲۵-۲۸۰؛ لکنوی، ۸۵، ۲۱۲؛ حاجی خلیفه، ۵۹۰/۱، ۱۳۱۱/۲، ۱۸۱۹-۱۸۲۰.

۲. یاقوت، معجم البلدان، ۱۲۲/۲-۱۲۳، ۳۹۶-۳۹۷، ۴۵۲/۴.

۳. نسوی، ۷۲-۷۳.

۴. ابن ابی الوفاء، ۳۸۵/۱، ۴۱، ۹۸/۲، ۱۲۰، ۳۳۹؛ ابن قطلوبغا، ۵۰؛ سیوطی، ۲۵۲/۲.

۵. ذهبی، تاریخ الاسلام (۶۱۱-۶۲۰)؛ ۴۰۵؛ یاقوت، معجم البلدان، ۲۳۰/۲؛ ابن رجب، الذیل علی طبقات الحنابلة ۱۲۸/۳-۱۲۹؛ ابن عماد، ۸۰/۵-۸۱.

۶. ابن اثیر، اللباب، ۱۴۲/۲.

۷. اسنوی، ۲۲۹/۲؛ ابن شهبه، ۲۹۹/۱-۳۰۰؛ سبکی، ۱۴۸/۶-۱۴۹؛ قزوینی، ۳۷۸؛ ابن فوطی، ۳۹۱/۲-۳۹۲.

۸. فخر رازی، مناقب امام شافعی، ۱۰۵-۱۰۶.

۹. رشید الدین، جامع التواریخ (بخش اسماعیلیه)، ۱۶۰؛ کاشانی، ۱۶۵، ۱۸۲؛ سمعانی، التحبیر، ۱۶۰/۲-۱۶۱.

۱۰. سبکی، ۲۵/۸؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۷۶/۲۲؛ ابن شهبه، ۵۱/۲.

۱۱. جالب است که در این دوره، یعنی قرن ششم، در برخی ولایات شرقی، برخی علمای حنفی از قبیل محمدبن عبدالله بلاساغونی از مخالفان پرشور معتزله، از چنان روحیه تعصب آمیزی برخوردار بود که می‌گفت: در صورت دست یابی به قدرت، از شافعیه جزیه خواهد گرفت (یاقوت، معجم البلدان، ۴۷۶/۱؛ ابن ابی الوفاء، ۱۳۵/۲؛ ابن قطلوبغا، ۵۹).

۱۲. ذهبی، تاریخ الاسلام (۵۲۱-۵۴۰)؛ ۲۴۵.

عبدالصمد بن عبدالله الجصاص (د. ۵۵۷) ریاضی‌دان و حکیم<sup>۱</sup>؛ محمد بن عثمان نظام بلخی<sup>۲</sup> (۵۷۳-۶۵۳ق) فقیه و ادیب نامور؛ ابوالفتح محمد بن محمد صفار مروزی<sup>۳</sup> (د. ۵۵۷ق)؛ ابوالمحاسن محمد بن نصر الانصاری دمشقی<sup>۴</sup> (۵۴۹-۶۳۰ق)؛ نجیب الدین ابوالوفاء فرضی (۵۵۲-۶۴۲ق) تاجر و محدث<sup>۵</sup>؛ محمد بن یحیی بن بندار فقیه، محدث و بازرگان<sup>۶</sup> و فخرالدین رازی که مدت ۶ سال در خوارزم می‌زیست<sup>۷</sup>.

در این دوره جو فکری و فضای حاکم بر دارالملک خوارزم به گونه‌ای بود که در محیط اجتماعی آن، کشیشان و دانشمندان مسیحی با احساس امنیت و آزادی، در زمینه اثبات لاهوتی بودن مسیح و رد نبوت پیامبر اکرم و دعوی اعجاز ایشان با فراغ خاطر با متفکران و علمای خوارزم مناظره می‌کردند<sup>۸</sup>.

یکی از دلایل ارتقاء سطح فرهنگی خوارزم در روزگار خوارزمشاهیان، رشد سریع مکتب کلامی اعتزال و پشت سر گذاشتن تمامی جریانهای مذهبی در دارالملک خوارزم بوده است، در این مورد گزارش داده‌اند که بحث‌ها و جدل‌های کلامی متفکران اعتزال با حضور امام و خطیب در جامع گرگانج با درایت بسیار بدون میدان دادن به تعصب قشری صورت می‌گرفت و اگر فردی می‌کوشید که با واژه‌های تند و تیز و خشونت‌آمیز از نظر خود دفاع کند، فوراً او را مجبور می‌کردند که سخن خود را قطع کند؛ زیرا «پیروزی بدون استدلال را» زشت و ناروا می‌دانستند<sup>۹</sup>. در این روزگار، مناظرات و بحث‌های کلامی که در روزهای جمعه بعد از نماز در مسجد جامع گرگانج دائر می‌شد، اهالی پایتخت را با کلام اعتزال آشنا ساخت و چنان آنان را متأثر کرد که بیشتر آنان به اعتزال گرویدند و کوچه و بازارهای گرگانج هم بازار مناظره‌های کلامی بود<sup>۱۰</sup>.

۱. سمعانی، التحبیر، ۴۶۱/۱.

۲. ذهبی، (۶۵۱-۶۶۱) ۱۵۳-۱۵۴.

۳. سمعانی، همان، ۲۲۴/۲؛ ابن ابی الوفاء، ۱۱۹/۲؛ ذهبی، (حوادث ۵۵۱-۵۶۰) ۲۳۸-۲۳۹.

۴. ابن خلکان، ۳۵۰/۲، ۹/۳-۱۰.

۵. ذهبی، (۶۴۱-۶۵۰) ۱۴۴-۱۴۵.

۶. همو، ۲۳۲.

۷. همو، سیر اعلام النبلا، ۵۰۰/۲۱-۵۰۱؛ صفدی، ۲۴۸/۴-۲۴۹.

۸. ابن ابی الوفاء، ۱۶۶/۲؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۶۹۷/۲-۶۹۹؛ همو، البراهین فی علم الکلام، ۹۶/۱۰-۹۷.

۹. قزوینی، ۵۲۰.

۱۰. قزوینی، همانجا؛ زمخشری، ربیع الابرار، ۳۵۲/۱؛ بغدادی، مراد الاطلاع، ۳۸۰.

میزان رشد کلام اعتزال را در خوارزم در دوره سلاطین خوارزمشاهی از گزارشی که یاقوت حموی در سفر خود همراه با ابونصر عبدالرحیم بن نفیس بن وهبان فقیه، محدث، تاجر حنبلی مذهب<sup>۱</sup> به گرگانج در سال ۱۷-۱۶ق در معجم/الادباء به دست داده، می‌توان مشخص ساخت. از این گزارش بر می‌آید که میزان شیوع اعتزال در دارالملک خوارزم چنان بوده که لفظ «خوارزمی» بمعنای معتزلی بوده است. یاقوت در این سفر، ضمن دیدار و اقامت در منزل ابومحمد قاسم بن حسین خوارزمی (۵۵۵-۱۸ق) ادیب نامور این روزگار و نقل حدود شصت و دو بیت از او، از مذهبش سوال می‌کند؛ صدرالافاضل می‌گوید: «فقال حنفی و لکن لست خوارزمياً لست خوارزمیا یکررها، ائما اشتغلت ببخاری فاری رأی اهلها، نفی عن نفسه ان یکون معتزلیاً»<sup>۲</sup>.

علاوه بر مردم پایتخت، میزان پیشرفت و شیوع اعتزال به حدی بود که سلاطین خوارزمشاهی نیز خاصه علاءالدین تگش و سلطان محمد با علم کلام بخوبی آشنا گشتند و هم‌چون اسلافشان (اتسر و ایل ارسلان خوارزمشاه) در فروع حنفی و در اصول معتزلی بودند<sup>۳</sup>. هم‌چنین اعضای عالی رتبه دیوان سالاری و متولیان تشکیلات مذهبی به ویژه قضات، ائمه جماعات و خطبا در فروع حنفی و در کلام، معتزلی بودند؛ نظیر خلف مکی خوارزمی قاضی القضاة دارالملک خوارزمشاهیان<sup>۴</sup>، ابوالفتح ناصر مطرزی خوارزمی (د. ۱۰ق) خطیب و امام جامع گرگانج<sup>۵</sup>؛ علاء الدین سدید بن خیاطی خوارزمی (د. ۴۵ق) محتسب خوارزم؛ ابوسعیدین عمران خوارزمی (د. ۱۸ق) که در راس تشکیلات دیوانی و نظام اداری قرار داشت و نائب مناب شاهان خوارزم در کل امپراتوری بود<sup>۶</sup>. در میان این‌ها ناصر مطرزی خوارزمی که از داعیان پر شور و از شیوخ معتزله خوارزم بود، شاگردانی را در مدرسه عقلی خود پرورش داد که هر یک در

۱. ابونصر عبدالرحیم بغدادی الاصل، ادیب، محدث و عالم به علم خلاف بوده و در سالهای ۱۷-۱۶ق در خوارزم بود و در همانجا در واقعه مغول به سال ۶۱۸ق به شهادت رسید (یاقوت، *البلدان*، ۲/۲۳۰؛ ذهبی، *تاریخ* (۶۱۱-۶۲۰) ۴۰۵؛ ابن رجب، *الذیل علی طبقات الحنابلة*، ۲/۲۵۳؛ ابن عماد، ۵/۸۰-۸۱).

۲. یاقوت، *معجم‌الادباء*، ۱۶/۲۳۹.

۳. *مالی امین الدین باله*، ۵۳۸-۵۳۷؛ ذهبی، *دول الاسلام*، ۱۲/۱۲۱؛ ابن اثیر، ۱/۴۰۷-۴۰۸.

۴. غزی، ۳/۲۱۳؛ بغدادی، ۴۶، ۵۰.

۵. *المؤید بالله*، ۲/۹۷۶.

۶. ابن ابی الوفاء، ۱/۳۷۸، ۲/۲۳۸؛ نسوی، ۱۲۴-۱۲۵.

۷. قزوینی، ۵۲۹؛ ابن کثیر، ۱/۲۴۰-۲۴۱.

دوران خود از بزرگان اعتزال و موجب انتشار آن در دارالملک خوارزمشاهیان بودند.<sup>۱</sup>

### افول مکتب کلامی اعتزال خوارزم

دیدیم که مکتب کلامی اعتزال مقارن ظهور سلسله خوارزمشاهی، در خوارزم ظهور کرد و در سایه حکومت آنان در بین تمامی طبقات اجتماعی نفوذ یافت و به موازات رشد و گسترش نظام سیاسی خوارزمشاهیان توسعه به سزایی پیدا کرد به طوری که تمامی جریان‌های مذهبی آن خطه را پشت سر گذاشت<sup>۲</sup> و در دستگاه حکومتی نیز چنان ریشه دوانید که صاحب‌منصبان اداری و دیوانی از میان آنها انتخاب می‌شدند.<sup>۳</sup> میزان پیشرفت و گسترش آن در دارالملک خوارزم به حدی بود که حتی بعد از فروپاشی دولت خوارزمی در سال ۶۱۸ ق یعنی مرگ سلطان محمد، آخرین فرمانروای واقعی خوارزم، هم‌چنان در آن ولایت تداوم و استمرار داشت. وجود دانشمندان معتزلی مذهب از قبیل علاء الدین خیاطی<sup>۴</sup> (۶۴۵ق)، علاء الدین محمود ترجمانی<sup>۵</sup> (۶۴۵ق)، یوسف بن ابی بکر خوارزمی<sup>۶</sup> (د. ۶۲۴ق)، نجم الدین مختار غزمینی خوارزمی<sup>۷</sup> (د. ۶۵۸ق)، کمال الائمه ابوالفضائل عبدالخالق الوبری<sup>۸</sup> (د. ۶۵۸ق)، و ابوخلیفه عبدالعزیز خوارزمی<sup>۹</sup> (د. ۶۸۴ق) که از پرورش یافتگان مدرسه عقلی دوره خوارزمشاهی و استادان و متفکران معتزله عصر اردوی طلایی در قرون ۷ و ۸ ق می‌باشند، مؤید این مدعاست. با این حال، فروپاشی بزرگ‌ترین دولت اسلامی خوارزم و استیلای وحشیانه مغولان در قتل و پراکنده ساختن دانشمندان و متفکران خوارزمی بزرگ‌ترین ضربه را بر فرهنگ و معارف عقلی

۱. الحرّی یمان، ۴۹۳؛ قفطی؛ یاقوت، ۱۴۴/۵؛ سیوطی، ۳۱۱/۲؛ ابن دمیاطی، المستفاد، ۲۳۷-۲۳۸.

۲. قزوینی، ۳۷۷-۳۷۸، ۵۲۰؛ ذهبی، تاریخ اسلام (۵۶۱-۵۷۰ق)، ۳۳۶-۳۳۷؛ داودی، ۱۳۱/۱.

۳. نک: منذری، ۷۲/۴؛ سماعی، ۹۵/۲؛ وطواط، مجموعة الرسائل، ۵۲/۱-۵۳؛ صفدی، ۹۵/۲۸؛ یاقوت، معجم البلدان، ۱۶۸/۲-۱۶۹.

۴. نسوی، ۱۲۵؛ ابن ابی الوفاء، ۳۷۸/۱؛ ۲۳۸/۲؛ ۳۸۱؛ ابن فوطی، ۲/۲.

۵. ابی ابی الوفاء، ۱۶۵/۲، ۲۹۳.

۶. صفدی، ۳۸۲/۲۵؛ العبادی، ۲۷-۲۸؛ سراج الدین خوارزمی ۹۹؛ سبکی، عروس الاخراج، ۲۶۹/۱؛ سیوطی، ۳۶۴/۲؛ زرکلی، ۲۲۲/۸.

۷. ابن ابی الوفاء، ۱۶۶، ۳۶۳؛ ابن قطلوبغا، ۷۳؛ صفدی، ۳۸۲/۲۵-۳۸۳؛ ذهبی، تاریخ الاسلام (۶۵۱-۶۶۱)، ۳۷۰-۳۷۱؛ ابن تغری بردی، الدلیل الشافی، ۷۳۰/۲؛ ابن عماد، ۱۲۲/۵.

۸. ابن ابی الوفاء، ۲۹۹/۱؛ غزی، ۲۷۵/۴؛ المؤید بالله، ۹۷۶/۲.

۹. ابن ابی الوفاء، ۳۱۹/۱؛ غزی، ۳۴۸/۴.



خوارزم زد. مهاجمان بعد از کشتار عمومی<sup>۱</sup>، سد گرگانج را که به ترمیم و مراقبت ویژه احتیاج داشت<sup>۲</sup>، تخریب کردند و با سرازیر شدن نهر جیحون به داخل شهر<sup>۳</sup>، دارالملک خوارزم را که یکی از مراکز مشهور علم و فرهنگ و معارف عقلی و مرکز تعلیم و تربیت متلکمان و دانشمندان نامی در عالم اسلام بود<sup>۴</sup> بکلی نابود کردند. به گفته جوینی، خوارزم این گل زیبای دشت ماوراء النهر که روزگاری محل مردان رزم و مکان زنان بزم و آشیانه «همای دولت» بود و زمانه سر برآستانه‌اش می‌نهاد، «نشیمن بوم و زغن شد»<sup>۵</sup>.

بدین ترتیب، فروپاشی دولت خوارزمشاهیان و استیلای وحشیانه مغولان و شکل‌گیری حکومت خانهای «اردوی طلایی» و کوچیدن قبایل کثیری از طوایف مغول و ترک به خوارزم و متعاقب آن شورش‌های محلی درگیر با مغولان، دارالملک خوارزم را صحنه جنگ‌های دراز مدت و بی‌نظم و ترتیب کرد و موجب تزلزل اجتماعی و نفوذ فعالیت‌های جریان صوفی‌گری شد<sup>۶</sup> که در عصر خوارزمشاهیان به سبب شیوع آموزه‌های اعتزالی، در میان خوارزمیان وزن و اعتباری نداشت؛ البته این خود (صوفی‌گری) در نابودی حیات اقتصادی و فرهنگ و معارف عقلی خوارزم بسیار تأثیر گذاشت<sup>۷</sup>. افزون بر آن، غلبه تفکر اشعری‌گری در سایه تصوف بر دستگاه سیاسی حکومت به ویژه عصر «قطلود مور» و «محمد اوزبک»، حکمرانان خوارزم در قرن ۸ ق که سنی متعصب و مخالف جدی کلام اعتزالی بودند، مجال زندگی آزاد و آرام را از متفکران و دانشمندان معتزلی که حافظ و وارث آن در طی چند قرن بودند، سلب کرد و آنان را مجبور به پنهان کردن افکار و عقاید اعتزالی‌شان نمود<sup>۸</sup>. در این میان، کسانی که نمی‌خواستند تن به

۱. ابن العبری، ۴۱۰؛ جوینی، ۱۰۰/۱-۱۰۱؛ رشید الدین ۵۱۴/۱-۵۱۵؛ خوافی، ۲۹۰/۲؛ بناکتی، ۳۶۷.

۲. یاقوت، معجم البلدان، ۳۹۷/۲.

۳. ابن اثیر، ۴۲۲/۱۰.

۴. ابن اسفندیار، ۷/۱؛ رازی، ۲۰؛ نسوی، ۱۲۴؛ وصاف، ۵۶۷-۵۶۸.

۵. جوینی، ۱۰۱/۱.

۶. در مورد گرایش و فعالیت‌های متصوفه خوارزم از قبیل علاء الدین خوارزمی، ابوالوفاء خوارزمی (د. ۸۳۵ق)، حسین خوارزمی (د. ۸۴۱ق)، همام الدین بن احمد خوارزمی (د. ۸۱۹ق) و شیخ محمد خوارزمی (د. ۸۱۳ق) نک: سیوطی، ۲۴۰-۲۴۱، ۳۲۹؛ سخاوی، الضوء اللامع، ۲۰۷/۲؛ همو الذیل علی رفع الاصر، ۷۸، ۲۷۹؛ صیرفی، ۳۷۳/۲، جامی، ۴۳۴، ۵۰۲-۵۰۳، ۵۸۴-۵۸۵؛ علیشیرنوائی، ۹، ۱۸۵؛ امین رازی، ۳۳۰/۳-۳۳۱-۳۳۲.

۷. یاقوت، ۳۹۷/۲؛ جامی، ۴۲۷-۴۲۸، ۴۳۲.

۸. ابن بطوطه، ۱۶۶؛ خوافی، ۳۳۶/۲، ۵۸-۵۷/۳.

Bosworth, "KH<sup>w</sup>ĀRAZM", *EF<sup>2</sup>*, vol.IV, P.1064; idem, "Ürgenc", *EF<sup>2</sup>*, Vol. VII I I I, PP. 393-3.

چنین وضع ناگواری بدهند به شهرهای دیگر مهاجرت کردند و با راهیابی به دستگاه حکومت توانستند افکار و عقاید اعتزالی خود را حفظ کنند.<sup>۱</sup>

در این دوره، تنها منطقه مناسب و مساعد برای تعلیم و حفظ آموزه‌های اعتزال، سمرقند تخت گاه تیمورلنگ بود. تیمور برای رونق علمی و فرهنگی پایتخت دانشمندان و عالمان نامور را از نقاط دور و نزدیک عالم اسلام به دربار خود فراخواند و در تشویق، تکریم و حمایت آنها کوشید. در همین ایام تعدادی از صنعت‌گران و موسیقی‌دانان خوارزم از قبیل محمد محرق حافظ خوارزمی و جمال الدین احمد خوارزمی به دربار تیمور آمدند و به گرمی پذیرفته شدند.<sup>۲</sup> هم چنین دو تن از آخرین نمایندگان مکتب کلامی اعتزال عبدالله خوارزمی ملقب به نعمان ثانی و فرزندش عبدالجبار در دربار تیمور می‌زیستند.<sup>۳</sup> عبدالجبار بن عبدالله خوارزمی (۷۷۰-۸۰۵ ق) دانشمندی جلیل‌القدر، معتزلی قوی‌نظر و پیشوای فکری تیمور لنگ بود و با عزیمت تیمور به بلاد شام، با علمای دمشق و حلب به مناظرات کلامی پرداخت و در خصوص فضیلت علی بن ابی طالب و استحقاق او برای خلافت و حقانیت اهل بیت پیامبر، خاصه حسین بن علی، باطل بودن خلافت معاویه و دودمانش مناظره و مجادله کرد.<sup>۴</sup> مورخان گفته‌اند که به سبب حرمت و وجاهت زیادی که داشت مسلمانان اغلب از وجود او بهره‌مند شدند و از قتل و اسارت تیمور در امان ماندند.<sup>۵</sup> با مرگ این دانشمند برجسته حنفی معتزلی در سال ۸۰۵ ق سرنوشت مکتب کلامی اعتزال در خوارزم و قسمت شرق عالم اسلام با گسترش تفکر سنی‌گری و متصوفه به پایان رسید.

### نتیجه‌گیری

مکتب اعتزال وابسته به آموزه‌های کلامی ابوالحسین محمد بن علی بصری به دست یکی از اصحاب وی یعنی ابومضرمحمودبن جریرضبی الاصفهانی در خوارزم در عصر خوارزمشاهیان پایه گذاری گردید و با استفاده از زمینه‌های علمی و فرهنگی، خاصه فکری و مذهبی، در میان

۱. ابن عربشاه، ۲۱۱.

۲. ابن عربشاه، ۲۱۹-۲۲۰، ۲۲۷-۲۲۸؛ غزی، ۲۶۲/۴.

۳. ابن عربشاه، ۱۱۱؛ غزی، همانجا.

۴. ابن عربشاه، ۲۱۴-۲۱۷؛ ابن تغری بردی، ۳۹۴/۱؛ همو، المنهل الصافی، ۱۲۰/۴-۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۶؛ مقریزی،

الجزء الثالث- القسم الثاني، ۱۱۰۹؛ ابن حجر، ۲۴۴/۲.

۵. ابن عربشاه، ۲۶۱-۲۶۴، ۳۱۰، ۴۵۴؛ لکنوی، ۱۲۸-۱۲۹.

خوارزمیان نفوذ و گسترش یافت. امنیت اجتماعی و ثبات سیاسی منطقه در سایه نظام مقتدرانه خوارزمشاهیان فرصت مناسبی برای دانشمندان خوارزمی برای فعالیت‌های کلامی و فلسفی فراهم کرد.

جریان اعتزال خوارزمیان را از نظر اجتماعات دینی سخت مدافع آزادی افکار کرد و آنان را بسیار علاقه‌مند به مباحثات آزاد در آموزه‌های اعتقادی نمود. در این روزگار، مناظرات و بحث‌های کلامی که در مراکز علمی و فرهنگی خوارزم دائر می‌شد تمامی خوارزمیان را با کلام اعتزال آشنا ساخت و بیشتر آنها را پیرو اعتزال نمود. میزان شیوع آموزه‌های اعتزالی در این سامان چنان بود که لفظ خوارزمی در قرون ششم و هفتم ق به معنای معتزلی به کار می‌رفت. این امر که پدیده‌ای استثنایی در جهان اسلام بود، با وجود ضربه سهمناک مغول بر آن در سرزمین خوارزم تداوم یافت، ولی بر اثر درگیری‌های قومی و نژادی و تحول ساختار قدرت مبنی بر تعصبات دینی و مذهبی حاکمان وقت در حمایت از آموزه‌های اشعری‌گری، خاصه در قالب تصوف، مجال زندگی آزاد را از معتزله سلب کرد و به جریان اعتزال در خوارزم پایان داد.

#### کتابشناسی

- ابن ابی اصیبعه، ابی العباس احمد، *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، به کوشش نزار رضا، بیروت، منشورات دارمکتبه الحیاة، بیروت، بی تا.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، *شرح نهج البلاغة*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الثانیة، ۱۹۶۵م.
- ابن ابی الوفاء، ابومحمد، *الجواهر المضية فی طبقات الحنفیة*، هند، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۶ق.
- ابن اثیر، عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، به کوشش یوسف الدقاق، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۸م.
- ابن اسفندیار، محمد، *تاریخ طبرستان*، به کوشش عباس اقبال، انتشارات خاور، ۱۳۶۶ ش.
- ابن الانباری، ابی البرکات، *نزهة الالباء فی طبقات الادباء*، به کوشش ابراهیم السامرائی، بغداد، مطبعة المعارف، ۱۹۵۹م.
- ابن بطوطة، محمد، *تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار*، به کوشش احمد العوامری و محمد جاء المولی، دارالکتب العالمی، ۱۹۹۱م.
- ابن تغری بردی، ابی المحاسن، *المنهل الصافی و المستوفی بعد الوافی*، به کوشش محمد امین، هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۸۶م.

- همو، *الدليل الشافي على المنهل الصافي*، به كوشش الحافظ عبدالعليم النحان، بيروت - لبنان، عالم الكتب، ١٤٠٧ق/١٩٨٧م.
- ابن جوزي، عبدالرحمان، *المنتظم*، هند، حيدرآباد دكن، ١٣٥٧-١٣٥٩ق.
- ابن حجر عسقلاني، احمد، *انباء الغمر بابناء العمر*، به كوشش حسن جشي، قاهرة، لجنة احياء التراث الاسلامي، الجزء الثاني، ١٣٥٩ق / ١٩١٧م، الجزء الثالث، ١٣٩٢ ق / ١٩٧٢م.
- ابن خطيب، احمد، *الوفيات*، به كوشش عادل نويهض، بيروت - لبنان، المكتبة الجزائرية، ١٣٩١ق / ١٩٧١م.
- ابن خلكان، شمس الدين، *وفيات الاعيان في انباء ابناء الزمان*، به كوشش محمد عبدالرحمن مرعشي، بيروت - لبنان، دار احياء التراث العربي، ١٤١٧ ق / ١٩٩٧م.
- ابن دمياطي، *المستفاد من ذيل تاريخ بغداد*، به كوشش قيصر ابوفرخ، بيروت - لبنان، دارالكتب العلمية، ١٣٩١ق / ١٩٧١م.
- ابن رجب، احمد، *الذيل على طبقات الحنابلة*، بيروت - لبنان، دارالمعرفة، بي تا.
- ابن شاکر، محمد، *فوات الوفيات*، به كوشش احسان عباس، بيروت - لبنان، دار صادر، ١٩٧٢م
- ابن شهبه، تقى الدين، *طبقات الشافعية*، به كوشش حافظ عبدالعظيم الخان، بيرون - لبنان، عالم الكتب، ١٤٠٧ق/١٩٨٧م.
- ابن طقطقي، محمد، *الفخرى*، بيروت، دارصادر، بي تا.
- ابن عبدالحق، عبدالمومن، *مراصدا لاطلاع على اسماء الامكنة و البقاع*، به كوشش ت. ج. جوينبول، طبع ليدن، بريل، ١٨٥٢-١٨٦٤م.
- ابن عبري، غريغوريوس، *مختصر تاريخ الدول*، به كوشش الاب انطون اليسوعي، مطبعة الكاثوليكية للآباء اليسوعيين في بيروت، ١٩٥٨م.
- ابن عربشاه، احمد، *عجائب المقدور في اخبار تيمور*، به كوشش احمد فايز الحميصي، سوريه، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٧ق / ١٩٨٦م.
- ابن عماد، عبدالحق، *شذرات الذهب في اخبار من ذهب*، بيروت - لبنان، دارالفكر، ١٤٢١ق / ٢٠٠١م.
- همو، *تممة صوان الحكمة*، به كوشش رفيق العجم، بيروت - لبنان دارالفكر اللبناني، ١٩٩٤م.
- ابن فوطي، عبدالرزاق، *مجمع الآداب في معجم الالقاب*، به كوشش محمد كاظم امام، تهران، مؤسسة وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامي، ١٤١٦ق.
- ابن قطلوبغا، قاسم، *تاج التراجم في طبقات الحنفية*، بيروت - لبنان، دارالمامون التراث، ١٩٩٢م.
- ابن كثير، اسماعيل، *البداية و النهاية*، به كوشش محمد عبدالعزيز النجار، قاهرة، دارالغد العربي،

۱۴۱۲ق/۱۹۹۱م.

ابن مرتضی، یحیی، *البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الامصار*، به کوشش محمد تامر، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.

همو، *طبقات المعتزلة*، به کوشش سوسنه دیفلد - فلزر، بیروت - لبنان، دارالمنتظر، ۱۴۰۹ق/۱۹۹۸م.

اسنوی، عبدالرحیم، *طبقات الشافعیة*، به کوشش کمال یوسف الحوت، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م.

امین رازی، احمد، *هفت اقلیم*، به کوشش جواد فاضل، طبع علی اکبر علمی و ادیب، بی‌تا. باسورث، ک.ا، «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران» *تاریخ ایران* کمبریج، گردآورنده جی. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.

براون، ادوارد، *تاریخ طب اسلامی*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ش.

بغدادی، عبدالقاهر، *الفرق بین الفرق*، بیروت - لبنان، دارالجیل، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۷م. همو، *الملل و النحل*، به کوشش البیرنصری نادر، بیروت - لبنان، دارالمشرق، ۱۹۹۲م. بناکتی، داود، *روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب*، به کوشش جعفر شعار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸ش.

بیرونی، ابوریحان، *آثار الباقیه عن القرون الخالیة*، به کوشش پرویز ادکایی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۰ش.

بیضاوی، عبدالله، *نظام التواریخ*، به کوشش میرهاشم محدث ارموی، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۸۲ش.

پطروشفسکی، ا.، *اسلام در ایران*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۶۳ش. تاج بخش، حسن، *تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ش. ثعالبی، ابومنصور، *بتیمة الدهر*، به کوشش محمد محی‌الدین عبدالحمید، مطبعة السعادة بمصر، ۱۳۷۷ق.

جامی، عبدالرحمن، *نفحات الانس من حضرت القدس*، به کوشش مهدی توحیدی پور، تهران، کتابفروشی محمودی، ۱۳۳۷ش.

جرجانی، اسماعیل، *ذخیره خوارزمشاهی*، چاپ عکسی از روی نسخه خطی، به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۲۵۳۵ شاهنشاهی.

جرفاذقانی، ابوالشرف ناصح، *ترجمه تاریخ یمینی*، به کوشش جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر

- کتاب، ۲۵۳۷ ش.
- جوزجانی، منہاج الدین سراج، طبقات ناصری، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ ش.
- جوینی، عطاء الملک، تاریخ جهانگشا، به کوشش محمد بن عبدالوہاب قزوینی، تهران، انتشارات بامداد، ۱۳۶۷ ش.
- حاجی خلیفہ، مصطفیٰ، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، به کوشش محمد شرف الدین یالتقیاء، بیروت - لبنان، مطبعة داراحیاء الشرف العربی، ۱۳۵۹ ق / ۱۹۴۱ م.
- الحرزی الیمانی، یحییٰ، غربال الزمان فی وفيات الاعیان، به کوشش محمد ناجی زعبی العمر، دمشق، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.
- حسنی رازی، سید مرتضیٰ، تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام، به کوشش عباس اقبال، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۴ ش.
- خطیب بغدادی، ابی بکر احمد، تاریخ بغداد یا مدینة السلام، به کوشش محمد امین الخارنجی، مکتب العربی، بغداد، ۱۳۴۹ ق / ۱۹۳۱ م.
- خوارزمی، ابومحمد قاسم، بدایع الملح، به کوشش مصطفیٰ اولیایی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۲ ش.
- خواندمیر، غیاث الدین، مآثر الملوک، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲ ش.
- داودی، محمد بن علی، طبقات المفسرین، به کوشش علی محمد عمر، قاهرة، مطبعة الاستقلال الکبری، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م.
- دمشقی صالحی، ابی عبدالله محمد، طبقات علماء الحدیث، به کوشش اکرم البوشی و ابراهیم الزبیق، بیروت - لبنان، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م.
- ذهبی، ابو عبدالله محمد، تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت - لبنان، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م.
- همو، تذکرة الحفاظ، بیروت - لبنان، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- همو، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب الارنووط و دیگران، بیروت - لبنان، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
- همو، دول الاسلام، به کوشش فہیم محمد شلتوت و محمد مصطفیٰ ابراہیم، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۷۴ م.
- همو، العبر فی خبر من عبر، به کوشش ابوہاجر محمد سعید بن بسیونی و زغلول، بیروت - لبنان، دارالکتب، بی تا.

- همو، *الإعلام لوفیات الأعلام*، به کوشش ریاض عبدالحمید مراد و عبدالجبار زکار، بیروت - لبنان، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۱م.
- همو، *الإشارة الى وفیات الاعیان المنتقی من تاریخ الاسلام*، به کوشش ابراهیم صالح، بیروت - لبنان، دار ابن اثیر، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱م.
- همو، *المشتمبه فی الرجال اسمائهم و انسابهم*، به کوشش علی محمد البجاوی، دارالکتب العربیة، عیسی الباب الحلبی، ۱۹۶۲م.
- همو، *المختصر المحتاج من تاریخ الحافظ من سعید الدبیثی*، بیروت - لبنان، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م.
- رازی، محمدبن قیس، *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، به کوشش سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، ۱۳۷۳ش.
- زرکلی، خیرالدین، *الاعلام*، بیروت - لبنان، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۹م.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۸۴ق.
- همو، *ربیع الابرار*، به کوشش سلیم النعیمی، بغداد، مطبعة الاعظمية، ۱۹۷۶م.
- زهدي، حسن جارالله، *المعتزلة*، قاهرة، ۱۹۴۷م.
- سبکی، تاج الدین عمر، *طبقات الشافعية الكبرى*، به کوشش محمود محمد الطناحی و عبدالفتاح محمدالحلو، قاهرة، طبع عیسی البابی، ۱۳۸۳ق / ۱۹۶۴م.
- سخاوی، شمس الدین محمد، *الذیل رفع الاصرار و بغیة العلماء و الرواة*، به کوشش جوه هلال و محمد محمود صبح، الدارالمصرية للتالیف و الترجمة، بی تا.
- همو، *الضوء الألامع لاهل القرن التاسع*، بیروت - لبنان، منشورات دارمکتبة المیاه، بی تا.
- سمرقندی، دولتشاه، *تذکرة الشعراء*، به کوشش ادوارد براون، تهران، کلاله خاور، ۱۳۲۸ش.
- سفینه تبریز، گردآوری ابوالمجد محمدبن مسعود تبریزی، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه مجلس، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱ش.
- سکاکي، ابی یعقوب، *مفتاح العلوم*، به کوشش احمد سعدعلی، قاهره، مطبعة مصطفى البابی الحلبي، ۱۳۵۶ق / ۱۹۳۷م.
- سمعانی، ابی سعید عبدالکریم، *التحبير فی المعجم الكبير*، به کوشش منيرة ناجی سالم، بغداد، مطبعة الارشاد، ۱۳۵۹ق / ۱۹۷۵م.
- همو، *الانساب*، به کوشش عبدالله عمر البارودی، بیروت - لبنان، دارالجنان، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.

- سیوطی، جلال الدین، *بغیة الوعاة فی طبقات اللغات و النحاة*، به کوشش محمد ابوالفضل، طبع عیسی البابی الحلبي، ۱۳۸۴ق / ۱۹۶۴م.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی، *مجمع الانساب*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.
- شهرزوری، شمس الدین محمد، *نزهة الارواح و روضة الافراح فی تاریخ الحکما و الفلاسفة*، به کوشش خورشید احمد، حیدرآباد دکن، ۱۹۷۶م.
- شهرستانی، ابی الفتح محمد، *الملل و النحل*، به کوشش ابوعبدالله السعید المندوه، بیروت - لبنان، مؤسسه الکتب الثقافية، ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۸م.
- همو، *نهاية الاقدام فی علم الکلام*، به کوشش الفرد جیوم، دارالکتب اللبنانی، بی تا.
- شیرازی، ابی اسحاق، *طبقات الفقهاء*، به کوشش فضلة الشیخ خلیل المسیس، بیروت - لبنان، دارالقلم، بی تا.
- صفدی، خلیل بن ایبک، *الوافی بالوفیات*، به کوشش دیدرینغ و دیگران، دارالنشر فرانز شتاینر بویسبادن، ج ۲، ۱۴۰۱ق / ۱۹۸۱م؛ ج ۳، ۱۳۹۲ق / ۱۹۷۲م؛ ج ۴، ۱۹۵۹م؛ ج ۱۳، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م؛ ج ۲۵، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م.
- صیرفی، علی بن داود، *نزهة النفوس و الابدان فی تواریخ الزمان*، به کوشش حسن حبشی، مصر، مطبعة دارالکتب، ج ۱، ۱۹۷۰م؛ ج ۲، ۱۹۷۱م.
- عبدالسید مطرزی، ابی الفتح ناصر، *شرح لطیف*، ناشر عبدالجبار اصفهانی، چاپ سنگی، ۱۲۷۲ق.
- علامه حلّی، جمال الدین، *انوار الملکوت فی شرح الیاقوت*، به کوشش محمد نجفی - زنجانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ش.
- همو، *باب حادی عشر*، شرح فاضل مقدم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
- همو، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، ترجمه و شرح ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۶ش.
- طوسی، نصیرالدین، *سیرو سلوک در مجموعه رسائل*، به کوشش مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ش.
- غزی، تقی الدین، *الطبقات السنیة فی تراجم الحنفیة*، به کوشش محمد الحلو، دارالرفاعی، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- غسانی، الملک، *العسجد المسبوک و الجواهر المحکوک فی طبقات الخلفاء و الملوک*، به کوشش محمد عبدالمنعم، دارالبیان بغداد، ۱۳۹۵ق / ۱۹۷۵م.
- فاضل یزدی، محمود، *معتزله*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ش.



- فخررازی، محمد، *جامع العلوم*، به کوشش سیدعلی آل داود، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۸۲ش.
- همو، *البراهین فی علم الکلام*، به کوشش سید محمد باقر سبزواری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ش.
- همو، *مناقب الامام الشافعی*، به کوشش احمد حجازی سقا، مصر، مکتبة کلیات الازهریة، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م.
- همو، *مفاتیح الغیب*، به کوشش ابراهیم افندیک، شرکت صحافیہ عثمانیہ، ۱۳۰۷ ق.
- قزوی، زکریا بن محمد، *آثار البلاد و اخبار العباد*، بیروت - لبنان، مطبعة دار صادر، ۱۳۸۰ق/۱۹۶۰م.
- قفطی، ابوالحسن علی، *تاریخ الحکما*، طبع لایپزیک، ۱۹۰۳م.
- همو، *المحمدون من شعراء و اشعارهم*، به کوشش حسن معمری، ریاض، دارالیمامة، ۱۲۹۰ق/۱۹۷۰م.
- همو، *انباه الرواة علی انباه النحاة*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهرة، دارالکتب المصریة، ۱۳۷۴ق/۱۹۵۷م.
- لکنوی، محمد، *الفوائد البهیة فی تراجم الحنفیة*، کراچی، ۱۳۹۳ق.
- مادلونگ، ویلفرد، *مکتبها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه*، ترجمه جواد قاسمی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش.
- متز، آدام، *تمدن اسلامی در قرن چهارم*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.
- محمد خوافی، *مجموع فصیحی*، به کوشش محمود فرخ، مشهد، چاپ طوس، ۱۳۲۹ش.
- محمود نجرانی، *مختار، الکامل فی الاستقصاء*، به کوشش السید محمد الشاهد، قاهرة، لجنة احیاء التراث، ۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م.
- مقریزی، تقی الدین احمد، *السلوک لمعرفة دول الملوک*، به کوشش سعید عبدالفتاح عاشور، قاهرة، مطبعة دارالکتب، ۱۹۷۰م.
- مکدرموت، مارتین، *اندیشه‌های کلامی شیخ مفید*، ترجمه احمد آرام، تهران، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، ۱۳۶۳ش.
- مندری، زکی الدین محمد، *التکملة لوفیات النقلة*، به کوشش بشار عواد معروف، بغداد، ۱۳۱۹ق/۱۹۶۹م.
- المؤید بالله، ابراهیم، *طبقات الزیدیه الکبری*، به کوشش عبدالسلام بن عباس الوجیه، اردن، موسسه امام زیدبن علی الثقافیة، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م.

- نسوی، شهاب‌الدین محمد، *سیره السلطان جلال‌الدین منکبرنی*، به کوشش مجتبی مینوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش.
- نوائی، میرعلی شیر، *مجالس النفاثس*، ترجمه از ترکی جغتایی به فارسی به وسیله فخری هراتی و ابن مبارک محمد قزوینی، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۲۳ ش.
- نووی، ابی زکریا یحیی، *مختصر طبقات الفقهاء*، به کوشش عادل عبدال موجود و علی معوض، بیروت - لبنان، مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۵۵ م.
- وطواط، رشیدالدین، *عرائس الخواطر و ابکار الافکار*، به کوشش قاسم تویسرکانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ش.
- همو، *مجموعه الرسائل*، به کوشش محمد افندی فهمی، مصر، مطبعة المعارف، ۱۳۱۵ ق.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله، *جامع التواریخ*، به کوشش محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۳ ش.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین، *معجم الادباء*، به کوشش فرید رفاعی، طبعه دارالمأمون مصر، ۱۳۳۵ ق / ۱۹۳۶ م.
- همو، *معجم البلدان*، بیروت - لبنان، دارصادر، ج ۱ و ۲، ۱۹۸۶ م، ج ۳ و ۴، ۱۹۷۹، ج ۵، ۱۹۸۶ م (براساس نسخه لیبزیک تصحیح وستنفلد)
- Bosworth, c.E "ÜRGENÇ" *EF*<sup>2</sup> vol. VIII.
- "KATH" *EF*<sup>2</sup>, vol. IV
- "KH<sup>w</sup>-ARAZM" *EF*<sup>2</sup>, vol. IV
- "KH<sup>w</sup>ĀRAZM-SHAHS" *EF*<sup>2</sup> vol. IV.
- Madelung, w, "al-mufid", *EF*<sup>2</sup>, vol. 7
- GIMARET, D "MU<sup>c</sup>TAZILA", *EF*<sup>2</sup> .vol. VII.
- Makdasi. G, *The SUNNI REVIVAL, Islamic civilization* (oxford, 1973).
- Monnot. G, "Al-shahrestani", *EF*<sup>2</sup>, vol. IX.
- SCHACHT, J, "AL-DJURDJANI" *EF*<sup>2</sup>, vol. II.
- Toan, z.v, *kharazmian glossary the mugaddimat Al-adab* (Istanbul universitisi Edebiyat fakultesi yayin Irarindan) Ist, 1957.
- VERSTEEGH, C, "AL-ZAMAK SHARI" *EF*<sup>2</sup>, vol. XI.